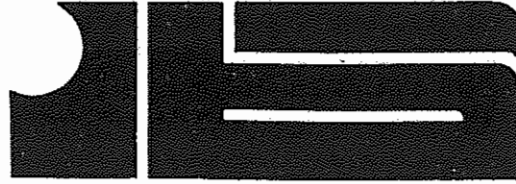


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

شماره ۱۳۹ - صفحه ۳۰ - رسال

سال سوم - چهارشنبه ۱۸ آذرماه ۱۳۶۰

مانور نظامی آمریکا و انگلیس در خلیج فارس

تمرین تجاوز و حلقه‌ای از زنجیر توطئه علیه

انقلاب ایران

● تشکیل جبهه‌های متشکل از همه نیروهای مدافع انقلاب ، گسترش و تحکیم پیوند میان انقلاب ایران با تمام دوستان و متحدان آن در منطقه و جهان ، برای درهم شکستن توطئه‌های امریکای جنایتکار ضرورت مبرم و تاخیرناپذیر است . در صفحه ۲

شکوفه‌های ۱۵ ماه مقاومت حماسه آفرین در برابر جنگ زخمیلی امریکائی - صدامی باروری شوند

● در سردهای انتحار آفرین اخیر ، نضای نیروهای مدافع انقلاب سپه شهبازی ایفا کردند . ستان با ۸۵ روستای بی‌آباد شد و مرده فزونی‌تر از همیشه زیاد شدند . زمانی که یک سرباز متجاوز در خاک بی‌سپاس است ، برای استقرار صحنی پایدار حماسه‌های تنظیم‌تری بیافرینند . در صفحه ۱۷

فرمان امام به شورای عالی قضایی
و بخشنامه دادستانی انقلاب

گام‌های مثبت و مؤثر

برای بازگرداندن آرامش منکی به قانون به جامعه

● سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیگیری در اجرای بخشنامه دادستانی انقلاب را که به پیروی از فرمان امام خمینی صادر شده است ، یک ضرورت مبرم انقلاب و یکی از مهمترین گام‌ها در بازگرداندن آرامش منکی به قانون به جامعه انقلابی‌مان می‌شاند . در صفحه ۳

باز هم اعدام‌های بی‌رویه ، نقض آشکار قانون

اعدام گم‌گرفته‌راهان توسط دوستان بیدار شده آنها ، نه بازسازی انقلابی که بار آوردن انسان‌های تحقیر شده و بیگانه با انقلاب است !

در صفحه ۳

به جای دشمنی با سازمان‌های صنفی کارگران در راه تثبیت قانونی شورا و سندیکا گام بردارید

اصل پذیرش حق تشکل آزادانه و داوطلبانه کارگران و سازمان‌های اصیل صنفی و سیاسی است . در صفحه ۶

رفیق حجت مرتاض هجری در جبهه‌های جنوب شهادت رسید

وقتی خبر شهادت حجت

به فرمانده گردان رسید او فرمان داد :

توپخانه بکوب که حجت شهید شد



ما از مرگ قوی‌تریم
ما هر سال درو می‌شویم

و سال دیگر

دوباره با ساقهای پربارتر

می‌روسیم ***

قطعه شعری است از رفیق هوشی‌مین ، یادگاری از رفیق شهید اسماعیل (حجت) مرتاض هجری ، که به خط خود در دفتر یادداشتش نوشته بود و پس از شهادت رفیق در حین نبرد با متجاوزان صدامی ، پیام رزمندگی و مقاومت تا پای جان رفیق فدایی (اکثریت) حجت را به گوش هم‌زمان و همه هم‌میهنان انقلابی می‌رساند . در صفحه ۱۳

متحد شویم !

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

مانور نظامی آمریکا و انگلیس در خلیج فارس

تمرین تجاوز و حلقه‌ای از زنجیر توطئه علیه انقلاب ایران

ر ادامه مانورهای موسوم ناره درخشان در مصر ، ان و سومالی ، اینک های واکنش سریع با ری نیروهای انگلیسی عمان و دیگری از مانورها را آغاز کرده‌اند . این مانورها گذشته از آنکه ت ضدبشری امپریالیسم سانی و در راس آن یالیم آمریکا را به ن نیروی جنگ و کشتار سی ملت‌ها به نمایش دارد ، بیانگر اهمیت . منافع عظیم نفتی برای یالیم آمریکا در منطقه ، تشکیل نیروی دویست نغری واکنش سریع که ت عمده آن در منطقه نزار بافته است ، و برنامه رش و تجهیز هرچه بیشتر اه دیه‌گوگارسا در نوس هند و پایگاه مصره عمان . حلقه مهمی از شه‌های امپریالیسم یکا علیه استقلال و حق نیت خلقهای منطقه است پی‌نروزی‌های روزافزون ش‌های رهاغیبخش و در آن پیروزی انقلاب ایران نفاستان و تحکیم بین‌الن موقعیت کشورهای عضو به یابرداری و در مقابل ست معضخانه طرح بدیوید و طرح آمریکایی ، امپریالیسم آمریکا و راهزنان بین‌المللی را و شه است در مقابل جنب اعی طرح‌ها و نقشه‌های بدی را به مورد اجرا ارنده .

امپریالیسم آمریکا که با آن‌های علاج‌ناپذیر مواحه اند ، برای دفاع از ع جیاولکرانه خود در سر جهان جز تشدید به بیشتر ماجراجویی‌های بی و دامن‌زدن به وخامت ع بین‌المللی ، راه‌حل یی برای خود نمی‌شناسد شی که توسط توده‌های ع صلح و استقلال ملی شکست قطعی مواحه یدد . و اینک مانور ک آمریکا و انگلیس در مرزهای آسی ایران بخش ، از تدارک ماجراجویی

امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و تهدیدی حدی سبت به استقلال و تمامیت ارضی میهن انقلابی ما بشمار می‌رود . پس از شکست‌های مداوم امپریالیسم آمریکا جهت نابودی انقلاب ایران ، این چشم‌انداز هر زمان بیشتر آشکار می‌شود که یکی از اهداف مقدم نیروهای واکنش سریع ترین جهت مداخله مستقیم نظامی در میهن ما ست ! امپریالیسم آمریکا با تمام نیرو می‌کوشد سیر رویدادها را که به زیان وی عمل می‌کند ، متوقف و آن را به عقب بازگرداند و برای رسیدن بدین مقصود ضدبشری از هیچ جنایتی فروگذار نیست ، حتی اگر منجر به نابودی میلیون‌ها نفرو برافروختن آتش جنگ در منطقه وسیعی از جهان گردد چرا که ایجاد کانون‌های شنج و برافروختن جنگ با حیات امپریالیسم ملارمه دارد .

همزمان با مانور نظامی آمریکا و انگلیس در خلیج فارس شاهد گسترش همکاری‌های نظامی میان کشورهای مرتجع و سرسریده امریکادر همسایگی ایران هشتم ، در هفته اخیر ژنرال " کنان اوورن " رئیس شورای نظامی حاکمه ترکیه سا ژنرال صبا الحق در پاکستان دیدار و گفتگو نمود .

پاکستان و ترکیه مرتجع‌ترین کشورهای منطقه در خلیج فارس با یکدیگر داند و به لحاظ مناعت جغرافیایی متفاوت هیچگونه ضرورتی برای همکاری نظامی آنها وجود ندارد ، اما آنچه این دو ژنرال آمریکایی را چنین به یکدیگر نزدیک ساخته است دشمنی آشتی‌ناپذیر آنها با انقلاب ایران و افغانستان و تمام جنبش‌های رهایی‌بخش در منطقه و جهان است .

آنها در اینکه به دستور آمریکا کشورهای خود را به پایگاه تجاوز و مکان امنی برای ضدانقلابیون ایرانی و افغانی مبدل نمایند ، هدف واحدی را تعقیب می‌کنند .

در پایگاه‌های پاکستانی هم‌حوار با افغانستان هزاران نفر از افراد وابسته به مانند راهزنان افغانی که خود را مهاجم می‌نامند ، توسط کارشناسان آمریکایی و چینی آموزش خرابکاری دیده و به افغانستان اعزام می‌شوند . رژیم صا‌الحق ، بلوچستان پاکستان را به پناهگاه بخشی از ضدانقلابیون ایرانی مبدل نموده که از آن طریق حملات راهزانه را علیه سادات مدافع انقلاب در سیستان و بلوچستان رهبری می‌نمایند . مرز پاکستان و ایران به یکی از راه‌های مهم فرار ضدانقلاب و قاچاق ارز یاز کشور مبدل گردیده است .

وضعی مشابه آنچه گفته شد در مورد ترکیه نیز صادق است . هم‌اکنون اکثر باندهای ضدانقلابی ایران در کشور ترکیه دارای پایگاه می‌باشند که در راس آن‌ها اصطلاح ارتش رهایی‌بخش ایران " آراء " قرار دارد .

در این رابطه ژنرال‌های فراری رژیم شاه مرتبا بین ترکیه و مصر و اروپا در رفت و آمد می‌باشند . طبق آخرین اطلاعات در هفته‌های گذشته روستاهای هم‌مرز با ایران در خاک ترکیه به دستور رژیم ترکیه از سکنه بومی آنها تخلیه گردیده و نقل و انتقالات نظامی ترکیه در کنار مرزهای ایران بنحو حسگری افزایش یافته است این حرکات از جانب نظامیان آمریکایی حاکم بر ترکیه در کنار مرزهای ایران بسیار هشداردهنده است . در حین موقعیتی است که پس از باگست ژنرال کنان اوورن از پاکستان وزیر دفاع عربستان سعودی همراه یک هیئت نظامی از پاکستان بازدید می‌نماید . دیدار این هیئت از پاکستان هدفی جز تقویت نظامی رژیم صا‌الحق را دنبال نمی‌کند . باید سیاد آوریم که رژیم آمریکایی حاکم بر عربستان سعودی در شوق رژیم صدام به جنگ علیه ایران نقش بسیار بارزی داشته است و در حال حاضر

نیز بخش مهمی از منابع مالی عراق جهت خرید تسلیحات را عربستان تامین می‌کند . همچنین ارائه طرح آمریکایی فهد توسط این کشور بیانگر نقش ویژه‌ای است که از جانب امپریالیسم آمریکا به این کشور محول گردیده است .

مانور نظامی آمریکا و انگلیس در خلیج فارس و گسترش روابط سه‌جانبه نظامی میان ترکیه ، پاکستان و عربستان سعودی تأکیدی است بر این واقعیت که علی‌رغم شکست مکرر توطئه‌های امپریالیسم برای نابودی انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران هر بار این توطئه‌ها به شیوه‌های ددمنشانه و ردبیلانه‌ای توسط امپریالیسم دنبال می‌شود .

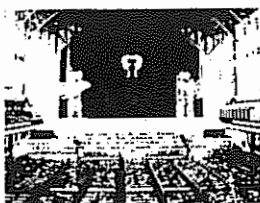
آنچه امروز در کنار مرزهای ایران توسط امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده عربستان ، ترکیه و پاکستان جدی و هشداردهنده است که وظیفه عاجل آمادگی همه جانبه برای مقابله با آن را در دستور قرار می‌دهد .

خلقهای منطقه و سراسر جهان در مقابل تهدیدات امپریالیسم آمریکا به استقلال ملی و حق حاکمیت خود ، راه دیگری جز تحکیم پیوندهای رزمجویانه میان خود و گسترش پیوندهای دوستی و همکاری با جنبه

انقلاب جهانی و در راس آن کشورهای سوسیالیستی ندارند . برای دفاع ، تحکیم و گسترش دساتوردهای انقلاب در مقابل چنین دسائسی علاوه بر ضرورت تحکیم بیش از پیش جنبه داخلی از طریق انجام اصلاحات اجتماعی بنیادی به سود محرومان و مستضعفان ، انقلاب ما باید پیوندهای خود را با کشورهای عضو جنبه یابرداری و تمام کشورهای دوست و مدافع انقلاب ایران تحکیم بخشد تمام آن عناصر و نیروهایی که انقلاب ما را از اتحاد و همکاری با دوستان واقعی آن محروم می‌سازند آگاهانه و با ناآگاهانه انقلاب را در مقابل توطئه‌های امپریالیسم خلع سلاح می‌نمایند .

حفاظت پس از پیروزی انقلاب جای هیچگونه تردید و شبیه‌ای برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب برحای نگداشته است تشکیل جبهه‌های متشکل از همه نیروهای مدافع انقلاب صرف‌نظر از مرام و ملک آنان و گسترش و تحکیم پیوند میان انقلاب ایران با تمام دوستان و متحدین آن در مقابل تهدیدات فزاینده امپریالیسم آمریکا در منطقه یسبک ضرورت مبرم و تأخیرناپذیر است

منتشر شد:



اسناد جنبش جهانی سوسیالیست
شماره پنجم - مجلد اول - وینده
اندکس‌های جدولی سوسیالیست



امپریالیسم سوسیالیست

فرمان امام به شورای عالی قضایی و بخشنامه دادستانی انقلاب

گام های مثبت و مؤثر

برای بازگرداندن آرامش منکی به قانون به جامعه

باز هم اعدام های بی رویه نقض آشکار قانون

فابری و اساسی بود انقلاب از آنجا که در موه حمایت قرار دارد باید آن بدست از گمراهانی مسعما در غیبات ترور نحریت شرکت نداشته اند به حره آفات گردید امتان عدایت و ارادت وجود دارد با آنها. عضوف ترچورد نموده حساب آنها را از رهبر حمایتگری چون روحی حسابی جدا سازد.

در مورد احکام اعد صادره از سوی دادگاهها انقلاب تاکنون از جانب دادستانی انقلاب و مراجع قضایی آنها اعلام کرد که احکام اعدام آنها مورد امرانی اجرا خواهند که مسعما در غیبات ترور اقدام سخنا غنصه حضور استرمی ایران شرکت ناست اسند آیت الله موسوی اردبیلی رهبر جوانان کشور بر آرحس متاخذ بصومالی و رانیموسویو. مسعما ایاره به گناها معددی که از اعمال ترور مسعرحی از حکام ترور دادگاههای آخرب به مورأ نائی قضایی و بازرسی ک کشور رسیده در مورد محار اعدام نمک

در چند هفت اخیر حبس براندازی سرکردگی آمریکای حناستگار از سلطنت مهران و ساواکی های سازمان یافته توسط ساواک با بند حاش روحی - حسابی و گروچک های آمریکا برورده مائوئیست رنجبری حنایات تازه ای آفریدند. روزنامه ها طی این هفته ها خبر از حناستی که توسط باید فاسلو در مناطقی از بردستان صورت گرفت میز دادند.

در کار این اخبار که رسا در مطبوعات کشور انعکاس یافت. صدانقلاب یا توسل به شایعه سازی تلاش کرده و می کند با اعدا فعالیت حناستکارانه خود را به مراتب بزرگتر از آنچه که در واقعیت جریان دارد نشان دهد. صدای آمریکا و سی سی و دیگر بلندگوهای صدانقلاب نیز برای آزار گرمی - نعتاب تازه ای که هدف آن بزرگ خنصه مان صدانقلاب داخلی است سازمان دادند. خلاصه اینکه هیاهوی بازدای به راه انداخته شد

هدف اقدامات حناستکارانه احر و قضایی تسلابودی که احره ماسعه و تبلیغات آفریدند. همحما ایجاد جو ناآرامی، عدم امنیت و بی ثباتی است که یکی از پنج عنصر نازدترس توطئه جبهه براندازی سرکردگی آمریکای حناستگار را تشکیل می دهد.

بدون تردید در برابر مزدوران و کم کرد راهانی که دست به ترور و سحر و می زنند باید با قاطعیت انقلابی روبرو شد. مسعما همحناستکه بارها تاکیسد کرده ایم انقلاب حق دارد خود در برابر صدانقلاب دفاع کند. در عین حال این امر بسیار قابل تاکیسد است که قاطعیت انقلابی نباید محر به پایمال کردن موازین

اشخاص غمزواسته به مقامات قضایی خود برانه بازداشت شده است و هنوز هم در بازداشت سرمی برد. بخشنامه دادستانی صراحتا تاکیسد کرده است که مامورین و دادگاهها به هیچ وجه حق بازداشت افراد "غیرگروهک های محارب" را ندارند. در مصاحبه های آقای موسوی تبریزی دادستان انقلاب و دیگر مراجع عالی قضایی کشور به ویژه در اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستان انقلاب سید فدوسی صراحتا فعالیت احزاب و سازمان های که مسلحانه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی اقدام نمی کنند آزاد اعلام شده است. مساعما به ساری از دادگاهها نه تنها از بازداشت و استگان به "غیرگروهک های محارب" خودداری می کنند بلکه تا امروز صدها نفر از اعضاء و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که با تمام نیرو از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند را هم بازداشت و آنها را چند ماه است که بدون محاکمه و اعلام اتهام قانونی در بازداشت نگاه داشته اند. علاوه بر این بسیاری از اعضاء و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب نموده ایران را به حرم افکار و عقایدشان به "جرم" دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به زندان های سنگین محکوم کرده اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره یکایک این احکام مغرضانه و غیرقانونی تمام مراجع قانونی و ذی صلاح را کتاب مطلع ساخته و از مقامات قضایی تقاضای رسیدگی نموده است. اکنون بر عهده سازمان بازرسی کل کشور و بر عهده کل دستگاه قضایی است که با رسیدگی دقیق به موارد تخلفات بشدت زیانباری که توسط دادگاههای نامبرده صورت گرفته است وفاداری خود را به فرمان امام و اجرای قانون به میلیون ها مردمی که خواهان استقرار قانون هستند نشان دهد. بخشنامه دادستانی صراحتا اعلام کرده است که پاسداران و کمیته ها بدون مجوز قانونی از مراجع قضایی حق دستگیری و بازداشت افراد را ندارند. متاسفانه موارد بازداشت های غیرقانونی و به ویژه بدون اطلاع و اجازه مراجع قضایی کم نیستند. رفیق محمد جودکی نماینده سازمان در شهر بروجرد و رابط ما در رابطه با نهادهای انقلابی توسط

- ۱- یعقوب یزدانی بهشهر
- ۲- علی اکبر حیدریان
- ۳- محمود فضلعلی
- ۴- خسرو مائی سنندج
- ۵- شفیع رضائی
- ۶- عادل فریانی اردبیل
- ۷- حمید شبانی شیراز
- ۸- محمدرضا گلشن
- ۹- عبدالوهاب فلسفیان
- ۱۰- فرزین شریفی تهران
- ۱۱- حمیدرضا پریدار
- ۱۲- عبدالرسول دشتیاری زاده بوشهر
- ۱۳- محمد دشتیاری زاده

فرمان مهم امام خمینی به شورای عالی قضایی در مورد رسیدگی به اعمال بی رویه و خلاف قانون دادگاهها و سایر مسئولین قضایی و انتظامی گام مهم دیگری است به سوی اجرای قانون و رسیدن به امنیت اجتماعی. این فرمان توجه عمیق امام را به ضرورت حاکمیت قانون در جامعه بیش از پیش آشکار می سازد. دادستانی کل انقلاب نیز به پیروی از فرمان امام بخشنامه ای برای تمام دادگاهها و دادستانی های انقلاب صادر و قبل از هر چیز اعلام کرده است:

"۱- از صدور حکم جلب، دستگیری و بازداشت افراد بدون انجام تحقیقات لازم و ملاحظه اسناد و مدارک کافی اکیدا خودداری شود و در صورت وجود دلایلی مدارک نیز در مورد متهمین غیر گروهک های محارب یا افرادی که آزادیشان با قرارهای تاهین، وثیقه و یا کفالت امکان پذیر است حتی الامکان از بازداشت و زندان خودداری شود"

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی چند ماه اخیر مکررا در مورد اعمال خلاف رویه و غیرقانونی افراد سپاه و کمیته ها و صدور احکام بشدت مغرضانه و غیرعادلانه در برخی از دادگاه های انقلاب به همه مقامات مسئول و مردم هشدار داده است. متاسفانه این اعمال که با هدف هتک جمهوری اسلامی ایران و جدا کردن مردم از انقلاب صورت گرفته است، کاملا قابل ملاحظه است. طی ۴ ماه دادگاه های انقلاب اسلامی سنندج، بهشهر، اردبیل، شیراز، بوشهر و تهران ۱۳ نفر از بهترین مدافعان

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

دوران ما و مشخصات آن

به وجود دوران‌های
ی معتقدیم که بر حسب
مات عمده از یکدیگر
ند. سودمند است برای
ن تصور دقیق‌تری از
زان " سخن‌نشین را در
ره دگر کنیم:

وقتی از دوران سخن
گوییم، منظور ما
دوران‌های بزرگ تاریخی
ست. در هر دوران چنانکه
کنون نیز چنین بوده‌است
آینده‌نیز جنبش‌های
زیبی (یا قسماً) جداگانه‌ای
بوده‌اند که گاه به پیش و
ه به سوی قهقراست و
ر هر دوران، چنانکه
کنون نیز چنین بوده
ست، در آینده نیز
حرف‌های گوناگون از
پپ متوسط و سرعت
نوسط جنبش وجود
بواهد داشت

قادر نیستیم بدانیم که
سرخ‌ی از جنبش‌های
سداگانه تاریخی در
وران خود با چه سرعت
با کدام موفقیت گسترش
بواهد یافت. ولی
می‌توانیم بدانیم که
رواقع نیز می‌دانیم که
ر مرکز این یا آن
وران کدام طبقه قرار
رفته و مضمون اساسی
ن دوران کدام است و
مت عمده حرکت آن
وران چیست و مهمترین
یژگی‌های وضع تاریخی
ن دوران و غیره چگونه
ست.

نما بر این مبنی، یعنی
مانی که ما مقدم بر هر
بیمز مشخصات بنیادین
وران‌های گوناگون (ونه
قابع جداگانه کشوری
بداگانه را) در نظر بگیریم
خواهیم توانست تاکنیک
عود را به درستی عرضه
اریم و تنها معرفت
مفات اساسی دوران معین
ی‌تواند پایهای باشد تا
یژگی‌های این یا آن کشور
ا که بیشتر جنبه جزئی
سی‌یابد مورد دآوری
واردیم"

(کلیات - جلد ۲۱
صفحه ۱۳۴)

س دوران، یک مقطع معین
خی در جامعه انسانی
، که روند تکاملی در آن
ی مشخصات ویژه خود
، تا آنجا که بر آثار
تسه غلبه می‌شود و
سده وارد مرحله تحقق
کوبن می‌گردد. لذا
صات اساسی " حال "

تاریخی را در پیوندش با
گذشته و آینده معین می‌سازد
و نیروی عمده تکامل تاریخی
را در وضع خاص تاریخی آن
نشان می‌دهد.
این توضیحات نشان
می‌دهد که تاچه حد مفهوم
علمی " دوران " و تشخیص
درستی آن دارای اهمیت
است.

با آغاز انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷
دوران نوینی از تاریخ آغاز
شده که پایان آن ظفرمندی
جهانی نظام مبتنی بر کار
خلاق و پایان بهره‌کشی
انسان از انسان است. یعنی
از دیدگاه تاریخی، این
دوران جانشین دوران
امپریالیسم می‌شود و به
مقابل " کار " (توده‌های
مولد) و " سرمایه " (قشرهای
بهره‌کش) سیستم اجتماعی
سوسیالیسم و سیستم
اجتماعی سرمایه‌داری خاتمه
می‌بخشد.

پس مشخصات این دوران
عبارت است از : دوران
انقلاب‌های کارگری
جنبش‌های رهایی‌بخش ملی
فروپاشی امپریالیسم و
استعمار و نواستعمار و گذار
خلقهای تازه به تازه‌ای از
نظامات استعماری به نظام
فارغ از استعمار در مقیاس
جهان. لذا طبقه کارگر
جهانی نیروی عمده تکامل
اجتماعی این دوران است و
در مرکز دوران قرار دارد.
دوران را می‌توان به
مراحل (ÉTAPE)

تقسیم کرد :
مرحله نخست دوران
معاصر ساختمان کامیابانه
نظام نوین پس از انقلاب
اکتبر ۱۹۱۷ در سرزمین
شوراهای بود.
مرحله دوم دوران معاصر
اعتلاء کیفی جنبش انقلابی
جهانی و تبلور سیستم
جهانی سوسیالیستی پس از
جنگ دوم جهانی بود شکست
فاشیسم و در نتیجه " توازن
نیروها " بین دو سیستم
متضاد. به سود سیستم
سوسیالیستی بشکل اساسی
تغییر یافت سیستم
سوسیالیستی دمیدم بیشتر
به عامل تعیین‌کننده در
تاریخ تبدیل می‌گردد و
امپریالیسم از جهت تاریخی
وارد حالت تدافعی شده‌است

و می‌کوشد تا در شرایط توازن
حدید نیروها خود را با وضع
سازگار و تجدید نیرو کند و از
تحول جنگ سرد به دوران
صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز
جلوگیری بعمل آورد. در
مسئله " صلح و جنگ " مسئله
اساسی دوران (سرد کار و
سرمایه) تحلی یافته‌است.
تازمانی که دوران گذار از
نظام بهره‌کشی (سرمایه‌داری)
به نظام فارغ از بهره‌کشی
(سوسیالیسم) ادامه دارد
نبردی بسیار سخت و دشوار
بین نیروهای دو جانب دوام
خواهد داشت. برخی‌ها در
جستجوی " راه سوم "

هستند و از " همگرایی دو
سیستم سخن می‌گویند و یا
می‌خواهند ایدئولوژی
انقلابی را با ایدئولوژی
ضد آن درآمیزند.
روشن است که این تلاشها در
طول مدت به هیچ نتیجه
عینی نمی‌رسد. تضاد بین
مالکیت اجتماعی و مسائل
تولید، که نظام فارغ از
استعمار خواهان آن است، و
بین مالکیت این وسائل که
سرمایه‌داری از آن هواداری
می‌کند، یک تناقض
آشتی‌ناپذیر و ناساز است و
همین عامل بشکل عینی
خصلت نبرد بین این دو
نظام را تعیین می‌کند.

در این دوران چنانکه
گفتیم، فروپاشی نظام
استعماری و گسترش بی‌سابقه
جنبش رهایی‌بخش ملی نیز
انجام می‌گیرد. لنین یادآور
می‌شود که روند انقلاب
جهانی بدون انقلاب در
کشورهای کوچک که در آن
بخشی از خرده‌بورژوازی با
همه پیشداوری‌های خاص خود
شرکت می‌جوید و قشرهای
ناآگاه یا نیمه‌آگاه پرولتاریا
در آن نقش دارند، شدنی
نیست. کسی که در جستجوی
انقلاب‌های " خالص "
پرولتاری در همه نقاط در این
دوران است، در واقع خود
روند انقلاب جهانی را غیر
میسر می‌گرداند. و ناآگاهانه
(یا آگاهانه) با دادن شعار
به ظاهر چپ، آب در
آسیاب نیروهای ارتجاعی
راست می‌ریزد.
مفهوم دوران با مفهوم
" نظام سیاسی - اجتماعی
در موردی باهم عیناً منطبق
است. مثلاً ما می‌توانیم از

دوران برده‌داری یا دوران
فئودالیسم سخن گوئیم.
ولی با توجه به تعریف جامعی
که لنین از دوران بدست
داده و ما آن را در آغاز این
نوشته آورده‌ایم،
از " دوران سرمایه‌داری ما
قبل انحصار " " دوران
امپریالیسم " " دوران
گذار " که نام دوران کنونی
است، نیز می‌توان سخن گفت
یعنی در مورد دوم، دوران یک
پله، یک برهه یک بخش
از دوران بزرگتر را دربر
می‌گیرد و از مرحله مهمتر و
طولانی‌تر است.

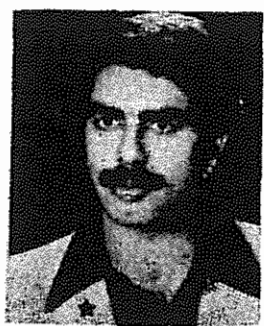
تضاد عمده دوران ما
تضاد سازش‌ناپذیر
سوسیالیسم واقعاً موجود از
سویی و امپریالیسم از سوی
دیگر است زیرا حل کلیه
مسائل بشریت امروزی به
چگونگی حل این تضاد عمده
دوران گره خورده است.
صلح، استقلال، حاکمیت
ملی، آزادی، دموکراسی،
امنیت اجتماعی و ترقی
اجتماعی خلقهای جهان
وابسته به آن است که
امپریالیسم در این نبرد
عظیم تاریخ با شکست روبرو
شود. به همین جهت در
کشور ما شعار " مرگ بر امریکا "

بسه عنوان مظهر کامل و
سرکرده اردوگاه امپریالیسم
وبهره‌کشی به شعار مرکزی
میدل شده و امام خمینی
مکرراً توصیه می‌کند که همه
قلم‌ها و تفنگ‌ها متوجه این
" شیطان بزرگ " شود.

انقلاب بزرگ میهن ما
خود شمره مشخصات دوران ما
و نتیجه تضاد خلقهای
استعمارزده با امپریالیسم
است. این انقلاب، از آنجا
که در یک کشور بزرگ و از
ژرفای جامعه فرا جوشیده‌است
اثرات درازمدت و نیرومند نه
تنها در ایران بلکه در
منطقه و حتی در جهان دارد
و در مسیر قانونمندی‌های
دوران معاصر، دوران گذار،
قرار گرفته است. کسانی که
دیالکتیک تاریخ را ساده
می‌کنند و به سرشت این
انقلاب در چارچوب دوران
تاریخی پی نمی‌برند، به
علت نقض قانونمندی‌های
عینی تاریخ، از آن پاسخ
رد می‌شوند.

شناخت دوران معاصر و
مشخصات آن از مباحث مهم
تئوری انقلابی است و ما
توجه رفقا و خوانندگان گرامی
را به بررسی این مبحث جلب
می‌کنیم زیرا همچنانکه
لنین، داهیان یادآور شده و
تجارب کشور ما آن را ثابت
کرده‌است، آنهایی که قادر
به تشخیص دوران نیستند و
تمام فراز و نشیب آن را درک
نمی‌کنند، قادر به تعیین
درست شیوه و سمت مبارزه
خود نیز نخواهند بود.

فقدان یک رفیق



رفیق مسعود قاضی‌زاده

آزمایشات سرلند بیرون
می‌آیند و خود را به مقامی
ارتقاء می‌دهند که شایسته
انسان دوران ما، انسان
پیشرو و سازمانگر مبارزات
زحمتکشان برای دستیابی
به استقلال، آزادی و
عدالت اجتماعی است.

در میان کسانی که رفیق
مسعود قاضی‌زاده را
می‌شناختند، کسان معدودی
بودند که با تلاش انسانی و
ترقیخواهانه او در راه زدودن
آلودگی‌ها از اندیشه و عمل
خود و دستیابی به
اندیشه و عمل شایسته
فدائیان خلق (اکثریت) از
نزدیک آشنا بودند.
امروز برای کسانی که
این‌چنین با او آشنائی
داشتند، نام وی با احترامی
شایسته‌تر از همیشه در
خاطرها باقی‌است.
مسعود قاضی‌زاده که با
انقلاب ولادتی تازه یافته

با کمال تأسف اطلاع پیدا
کردیم که رفیق مسعود
قاضی‌زاده، در تاریخ ۳۰
آبان ماه ۶۰ برابر تصادف با
اتومبیل درگذشته‌است.
رفیق مسعود قاضی‌زاده،
نمونه برجسته انسان‌هایی
است که در بوته انقلاب و در
کوران مبارزه حادی که در
میهن ما جریان دارد،
بالایش می‌یابند، از کوره

انفجار بمب در سوریه واکنش جنایتکارانه در برابر شکست طرح آمریکائی فهد

توقیف "پیام مردم" قابل توجیه نیست

محروم کردن نوجوانان ایرانی از مطالعه چنین نشریاتی دشمنی با انقلاب و ممانعت از اشاعه و ترویج ایده‌های انقلابی و میدان دادن به جریان‌های است گد در پیشبرد اهداف ضدانقلابی خود بیش از هر چیز، جوانی و کم تجربگی و عدم آگاهی را مورد استفاده قرار می‌دهند.

در روزنامه‌های عصر تاریخ هشتشنبه ۱۵ آذرماه خواندیم که نشریه "پیام مردم" توقیف شد.

خبر بین از پیش تاسف خواننده را برمی‌انگیزد. تاسف از اینکه یک نشریه متعدد و در حیطه انقلاب، دیگر منتشر نمی‌شود.

"پیام مردم" در سربلوه برنامه‌های دفاع از انقلاب ضدامریالیستی و مردمی ایران در رهبری امام خمینی بود و مبارزه بی‌امان با دشمنان جمهوری اسلامی و در رأس آن نظام بزرگ، امریالیسم امریکا.

پیام مردم اماگزر نوشته‌های صدانقلاب، لبرالها و گروه‌های منحرف بود، به ویژه آن زمان که این نوشته‌ها جوانان و نوجوانان سپه ما را مورد نظر داشت برای نمونه می‌توان به بخش ازبرده پیام در دوره‌های آماره کرد که مدارس ما هر روز به شوهای به آشوب کشید می‌دیدند.

پیام مردم به تنها سربلوه دانش‌آموزان که نشریه کارگران، نوجوانان روستازادگان و همسره نوجوانان زحمکش ایران بود در طول آماره "پیام" بسیاری نوجوانان سپه ما به وسیله این نشریه حرف‌های خودشان را به گوش مسئولین جمهوری اسلامی می‌رساندند.

به این ترتیب بود که تسو زانو نخواهد زد "حبیب! به کشورت بازگرد، سوریه صمن رد" مبارزگری امریکا در مسئله حاورمیانه دیگر دشمن شماره یک اعراب اعلام کرد.

هدف تمامی نوشته‌های امریکا: "طرح فهد"، دامن‌زدن به موج پروریسم و تسخ، انعقاد قراردادهای نظامی، گسیل عاملان سیاست خود به منطقه و... حفظ و حیات سیاست غارتگرانه این کشور به‌ویژه از طریق انزوا و فشار نظام.

بشیرجمایل رهبر راستگرایان لبنان که از سوی امریکا و اسرائیل حمایت می‌شود پس از دیدار باحبیب و اطمینان از پشتیبانی امریکا خواستار خروج نیروهای بازدارنده عرب از لبنان شد (جمهوری اسلامی ۱۱ آذر) سنا به گفته "السفیر" روزنامه جب‌گرای لبنان سفر حبیب به خاورمیانه تنها یک هدف را دنبال می‌کند.

ایجاد نفوذ بین اعراب، جلب حناح‌هایی از مقاومت فلسطین به سوی امریکا و حذف نیروهای مترقی منطقه به‌ویژه سوریه از صحنه سیاسی خاورمیانه و "حل" مسائل خاورمیانه در غیاب این نیروها. در حال این سیاست توطئه‌گرانه و تفرقه‌آمیز است که اتحاد شوروی را در دیگر خواستار یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت تمامی طرف‌های درگیر برای رسیدگی به بحران خاورمیانه شده است (کیهان ۱۱ آذر)

با به پای سفر توطئه‌آمیز حبیب به خاورمیانه یک پیمان دو جانبه تجاوزکارانه بین ایالات متحده امریکا و اسرائیل به امضا رسید. دو کشور هدف از انعقاد این قرارداد را "مقتضای حناحلات و دست‌درازی‌های توری" اعلام داشته‌اند. سرآودا ارگان حزب کمونیست شوروی در این مورد نوشت:

"این اتحاد نظامی که ادامه کمپ‌دیوید بشمار می‌رود، احتمال مداخله امپریالیست‌ها در امور کشورهای عرب را فراهم می‌آورد و به اسرائیل امکان می‌دهد با اتکاء به دولت امریکا به توسعه‌طلبی خود ادامه دهد"

(کیهان ۱۲ آذر) تشدید سیاست توطئه‌گرانه امپریالیسم امریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل و عمال آنان در منطقه پس از شکست کنفرانس فاس با موج وسیعی از اعتراض و مخالفت نیروهای ترقی‌خواه بواجبه شده است. در سوریه ۲۵۰ هزار تن علیه امریکا دست به تظاهرات زدند. شعار می‌دادند "مرگ بر امریکا" ریگان! سوریه در برابر

ضدامریالیست منطقه تشنج بیافریند و اوضاع این کشورها را بی‌ثبات نشان دهد. امریکا از توسل‌جستن به تروریسم در این کشورها کمابیش همان اهدافی را دارد که در کشور ما تعقیب می‌کند. اعمال فشار و دخالت نظامی غیرمستقیم و مستقیم دوسر این سلسله اهداف است.

عملیات ضدانقلابی نیست به سوریه، لیبی و دیگر کشورهای مترقی منطقه با یک رشته تلاش‌های دیگر تکمیل می‌شود: ملاقات شاه خالد با اعضای کنگره امریکا در عربستان سعودی، سفر وزیر دفاع اسرائیل به امریکا تدارک برگزاری مانور مشترک امریکا، انگلیس، و عمان دیدار فرمانده نیروی دریایی فرانسه از این کشور، گسیل ناو انگلیس به سوی منطقه و تشدید جنگ در لبنان و...

از جمله اقداماتی است که از یک سو برای قدرت‌نمایی و از سوی دیگر برای متحدکردن کشورهای ارتجاعی منطقه صورت می‌گیرد.

دو رکن اصلی سیاست آمریکا بر تشدید تجاوز علیه کشورهای مترقی منطقه و شکل کشورهای مرتجع عرب برگرد محور اسرائیل - مصر - عربستان در درجه اول به منظور مقابله با جبهه پایدار و در درجه دوم به منظور تقویت ارتجاع منطقه علیه همه کشورهای مترقی خاورمیانه قرار گرفته است. سفر قلیلیپ حبیب، نماینده ریگان به منطقه نیز برای تکمیل و وصل کردن اجزاء این سیاست توطئه‌گرانه صورت گرفته است. روزنامه البعث چاپ سوریه نوشت:

"حبیب همیشه با دو هدف به خاورمیانه می‌آید قول‌هایی برای اسرائیل و تهدیداتی برای اعراب" (جمهوری اسلامی ۱۰ آذر) روزنامه دیگر سوری تشوین اضافه کرد:

"سفرهای حبیب به خاورمیانه معمولاً با افزایش عملیات اسرائیل در جنوب لبنان همراه است" (همانجا) در واقع نیز همزمان با سفر نماینده امریکا به لبنان تهاجم اسرائیل و فالانژیست‌ها شدت گرفت.

روز یکشنبه هفتم آذر، به دنبال انفجار بمب نیرومندی در مرکز دمشق پایتخت سوریه دهها تن کشته و محروم شدند. بر طبق آخرین گزارش‌ها، قربانیان این عمل جنایتکارانه تا ۱۵۰ نفر برآورد شده‌اند.

مقامات دولتی سوریه انفجار این بمب را کار "اخوان المسلمین" اعلام کردند و در بیانیه خود خاطر نشان کردند:

"بسماند خائنین "اخوان المسلمین" یک بار دیگر جنایتی علیه افراد بی‌گناه بخصوص زنان و کودکان مرتکب شد" (کیهان ۹ آذر)

"اخوان المسلمین" یک جریان ارتجاعی است که از سوی امریکا و عمال آن پشتیبانی و هدایت می‌شود و همواره نقش مخالفت و خرابکاری نسبت به کشورهای ضدامریالیستی منطقه را بازی کرده است. این جریان که به داشتن اسلام طرفدار امریکا معروف است، از مخالفی سرسخت رژیم مترقی ناصرد مصر بود این چندمین انفجاری است که در ماههای اخیر توسط این جریان در سوریه صورت گرفته است.

فعال شدن عمال امریکا در منطقه خاورمیانه ناشی از شکست "کنفرانس فاس" است و امپریالیسم امریکا و رژیم صهیونیستی می‌کوشند شکست این کنفرانس را با اقدامات توطئه‌گرانه تازه‌ای جبران کنند. رادیو اسرائیل پس از انفجار بمب در سوریه به این واقعت اعتراف کرد و گفت:

"این سو قصد چند روز پس از آن صورت گرفت که دمشق با به شکست کشاندن کنفرانس فاس برده تیرهای برچهره عربستان سعودی (درواقع امریکا و همه متحدانش) کشاند" (کیهان ۹ آذر)

موج بمب‌گذاری در سوریه و لبنان - همچنان که در ایران انقلابی نیز تنها گوشه‌ای از عملیات عمال امریکا به منظور ایجاد تشنج و اغتشاش در سطح منطقه است امریکا با دست‌زدن به این جنایات، می‌کوشد تا در کشورهای مترقی و

عنه کشورهای حبیب با داری است. به همین دلیل پاسنج ایران انقلابی به اس همد نوشته‌های امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه حبری سب جز حمایت همه‌جانبه از کشورهای عضو حبیب با دخاری و از جمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین، ما می‌بوازمه و باید در به سکندنا. توطئه‌های جنایتکارانه امریکا در منطقه که یک سر آن سر سپه ماست، وظیفه خود را با سربلندی به انجام رساند.

به جای دشمنی با سازمان های صنفی کارگران

درا راه تثبیت قانونی شورا و سندیکا گام بردارید

از پس از پیروزی انقلاب اکنون مسئله تشکیل های صنفی کارگران یا مشخص تر گوئیم سازمان های صنفیکایی ر مباحثات و موضع گیری های مختلف نیروهای خط امام ، نچنانکه باید مورد توجه ستولانه قرار نگرفته است . متأسفانه بخش قابل رجهی از این نیروها لبرغم مواضع دما بریالیستی و مردمی شان مواسطه پیشداوری ها و رداشت های مخدوش خود از نبش سندیکایی بر شروعبت این تشکل ها ، خط طلان کشیده و به طرق پناگون درصدد تخفیف و لاشی آنها برآمده اند . این حوه برخورد با سندیکاها مانگونه که در شماره های بلی " کار " هم تصریح رده ایم . یکی از موارد نقض ثکار حقوق صنفیکایی طبقه رگراست

معیار قضاوت در مورد سندیکاها ی موجود چه باید باشد ؟

فصل مشترک همه استدلال هایی که در رد مشروعبت انقلابی و قانونی سندیکاها آورده می شود ، شهابیک چیز است و آن اینکه " سندیکاها سازمان های بیوشالی ، طاغوتی و غریبی هستند . این موضوع در سرمقاله شماره ۴۵۴ روزنامه صبح آزادگان مورخ شانزدهم شهریور ۶۵ چنین ازتاب یافته است :

" سندیکاها در دوران رژیم منحوس پهلوی نیز دایر بودند و به جای کمک به کارگران ، به سرازگش استعمار و چاپیدن آنها تبدیل گردیده بودند "

این سوه استدلال بیش از هر چیز بیانگر یک خطای جدی در اسلوب نگارش به مقاله است نویسنده این جریان های خط امام که با سندیکاها چنین برخورد می کند ، به جای آنکه به ماهیت و مضمون واقعی سندیکاها بطور کلی و سندیکاهایی که در جریان تدارک و تکوین انقلاب وین از آن بوجود آمده و گسترش یافتند مشخصا توجه کند ، در مجموعه استدلال های خود تمام توجه شان را تنها به برخی سازمان های بیوشالی ای که در زمان رژیم شاه تحت عنوان " سندیکا " و " سازمان کارگران " احاد

اغلب نیروهای خط امام ، از مضمون و ماهیت سندیکاهای واقعی درک مخدوش و آلوده ای دارند . آنها از سندیکا فقط سازمان های پوشالی را می فهمند که به دستور رژیم شاه زیر نام " سندیکا " و سازمان کارگران " علیه جنبش کارگری فعالیت می کردند .

شده و فعالیت می کردند ، معطوف می نمایند . ما به این دوستان توصیه می کنیم به جای آنکه سندیکاهای زرد آریابهری را معیار قضاوت قرار دهند ، به تاریخ بیش از دو سده موجودیت برسر سازمان های صنفیکایی و مبارزه آنها علیه ظلم و ستم سرمایه داری در مقیاس جهانی رجوع کنند و سندیکاهای واقعی و دستاوردهای تاریخی و طرفیت مبارزاتی آنها را ملاک ارزیابی خودرا از سرشت و مضمون سندیکاها - بطور کلی - و مشروعبت و اهداف سندیکاهای موجود در مقطع فعلی تاریخ کشور ما - بطور مشخص - قرار دهند . برخلاف تصور مخدوسی که برخی از نیروهای خط امام از سازمان های صنفیکایی ارائه داده اند (سندیکاها به سابه مراکز خدمات استعماری و کانون های جاول و غارت کارگران) باید تاکید کنیم که در تاریخ دوست ساله جنبش جهانی صنفیکایی علی القاعده با سازمان های صنفیکایی مبارزی روبرویم که مضمون مبارزاتی شان دفاع از منافع و حقوق کارگران ، مبارزه با غارتگری های سرمایه داران و تحدید مواضع سیاسی و اقتصادی آنان ، بیکار علییه همه اشکال سهره کشی از خلقها (چه به شکل استعمار نو) مبارزه علیه همه انواع خودکامگی و استبداد و نهایتا مبارزه به خاطر برافکندن نظام سرمایه داری و استعمار انسان از انسان بوده است در این موضوع که سازمان های با مضمون سندیکا بوده اند که چه در مقیاس ملی و چه در عرصه بین المللی به کارگزاران " استعمار " تبدیل شده و

به عوض دفاع از منافع حقه کارگران در مقابل غارتگری های سرمایه داران به اشاعه روحیه تفاهم و سازش میان آنان پرداخته اند و یا اولاً از ابتدا با این هدف بوجود آمده اند ، نیز جای هیچگونه سببهای نیست لیکن باید تصریح نمود که این سازمان ها نیز نظیر سندیکاهای طاغوتی دوران حاکمیت ارتجاع سلطنتی شاه (ساله های بین ۳۲ تا ۵۷) بیش از هر چیز سرشتی ضد - کارگری داشته اند تا خصلت و مضمون صنفیکایی .

سندیکاها ، سازمان طبقه ای ، توده ای و دمکراتیک کارگران است که از منافع و حقوق آنان در مقابل احکافات و جاولگری های سرمایه داران دفاع می کند ، سازمانی که ضمن مبارزه در راه بهبود شرایط کار و زندگی کارگران در راه برانداختن سلطه استعماری و نواستعماری انجام دگرگونی های بنیادین در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیل به پیشرفت ، رفاه و عدالت اجتماعی نیز بیکار می کند . این تعریف کلی و عام سازمان صنفیکایی است که بیانگر وجوه گوناگون مبارزه صنفیکایی و مضمون گسترده حقوق و وظایف صنفیکایی نیز هست .

همه سازمان های صنفیکایی مبارز در همه کشورها صرف نظر از نظام های گوناگون اقتصادی و اجتماعی آنها قرار گرفته است . تاریخ جنبش صنفیکایی در مقیاس جهانی ، دستاوردها و تجارب و سنن آن نیز هم اکنون در فدراسیون صنفیکایی جهانی تبلور یافته که می تواند و باید به همراه تاریخ جنبش صنفیکایی ، گنجینه تجارب و سنن آن در میهن ما که در سندیکاها و شوراهای کارگری موجود نسجم یافته اند ، سنگ محک و ملاک تشخیص اصالت سازمان های صنفی در کشور ما .

بیروان راستین خط امام و به ویژه مسئولین امور در دولت جمهوری اسلامی می باید این ماهیت و محتوی و این تاریخ و عرصه جهانی و داخلی را که در اصول مندرج در منشور و اعلامیه جهانی انعکاس یافته و در سازمان های صنفیکایی اصل بین المللی وطنی و در کشور ما در سندیکاها و شوراهای موجود مضمون صنفیکایی را منعکس نمایند .

سندیکاها و شوراهای کارگری موجود سازمان هایی با مضمون واحد صنفیکایی هستند

اما در کنار سوه استنباطی که در بالا تشریح کردیم ، در میان مسئولین امور نحوه نگرش دیگری نیز وجود داشته و دارد که بیش از هر چیز حاکی از این خطاست که مضمون فعالیت سندیکاها را تنها مبارزه به خاطر بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و دفاع از منافع صنفی و رفاهی آنان می بیند و در مقابل بر این اعتقاد است که

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

بیشت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

کمک های مالی دریافت شده

الف و آ	ب	ج	د	هـ	و
۵۸	۵۰۸۶	۵۰۸۶	۵۰۸۶	۵۰۸۶	۹۰۱۴
۲۰۵۹	۱۰۱۱۱	۱۰۱۱۱	۱۰۱۱۱	۱۰۱۱۱	۵۲۳۲
۲۷۰۷	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۳۳۵۰
۵۵۳۳	۲۲۸۲	۲۲۸۲	۲۲۸۲	۲۲۸۲	۵۰۰۱ الف
۲۱۴۶	۲۶۱۱	۲۶۱۱	۲۶۱۱	۲۶۱۱	۳۰۲۸
۱۱۴	۱۶۲۲	۱۶۲۲	۱۶۲۲	۱۶۲۲	۵۱۰۰
۱۶۲۲	۵۰۱	۵۰۱	۵۰۱	۵۰۱	۱۵۰۰
۳۱۲۳	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۳	۷۲۴
۱۵۷۶	۶۵۵	۶۵۵	۶۵۵	۶۵۵	۱۰۰۰۲
۵۳۶۹	۱۰۱۱۱	۱۰۱۱۱	۱۰۱۱۱	۱۰۱۱۱	۱۵۹۸۸
۱۰۱۶۸	۱۰۱۶۸	۱۰۱۶۸	۱۰۱۶۸	۱۰۱۶۸	۵۹۸۸
۵۴۰۲۰	۵۴۰۲۰	۵۴۰۲۰	۵۴۰۲۰	۵۴۰۲۰	۵۲۸۱
۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۲۲۲	۱۰۲۲۲
۸۱۳۸	۵۲۲	۵۲۲	۵۲۲	۵۲۲	۳۵۵۵
۲۱۱۸	۱۱۵۰	۱۱۵۰	۱۱۵۰	۱۱۵۰	۱۶۱۰
۴۰۹۲	۱۰۲۰	۱۰۲۰	۱۰۲۰	۱۰۲۰	۲۱۲۵
۲۱۴۲	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۳۱۵۱
۴۸۲۱	۲۹۶۸	۲۹۶۸	۲۹۶۸	۲۹۶۸	بدون حرف
۲۱۱۱	۱۱۱۸	۱۱۱۸	۱۱۱۸	۱۱۱۸	اول نام
۵۷۸۹	۱۰۰۹	۱۰۰۹	۱۰۰۹	۱۰۰۹	۱۵۲۳
۱۱۱۱	۱۵۱۱۸	۱۵۱۱۸	۱۵۱۱۸	۱۵۱۱۸	۱۲۸۰
۱۰۵۲	۴۱۰۰۰	۴۱۰۰۰	۴۱۰۰۰	۴۱۰۰۰	۲۱۱۹
۲۹۶۹	۳۱۲۴	۳۱۲۴	۳۱۲۴	۳۱۲۴	۲۰۰
	۱۰۱۹	۱۰۱۹	۱۰۱۹	۱۰۱۹	۵۶۷
	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۱۱۲۳	۲۷۸۲۱
	۲۷۰۵	۲۷۰۵	۲۷۰۵	۲۷۰۵	۲۲۳۱
	۲۱۶۹	۲۱۶۹	۲۱۶۹	۲۱۶۹	۶۰۰۰
	۲۹۲۵	۲۹۲۵	۲۹۲۵	۲۹۲۵	در عروسی رضا و فاطمی
	۱۰۱۲۱	۱۰۱۲۱	۱۰۱۲۱	۱۰۱۲۱	سهیل ۱۰۰۰ ریال
	۳۰۱۱۱	۳۰۱۱۱	۳۰۱۱۱	۳۰۱۱۱	شایان عروسی الف ۱۶۰۰۰
					ریال
					سعید و رفیق ۷۴۲-۷۰۰۰
					ریال
					مهرونوش ۲۰۰۰ ریال
					نیتون ک ۱۰۰۰ ریال
					گل ۳۰۰۰ ریال
					صبا ۱۰۰۰ ریال
					رفیق کوچولو رضا ۳۰۰۰
					ریال
					واحد هستون ۱۱۳۰۰ رسید
					رفقای راه آهن هدیه شما رسید
					هادی ۴۰۰۰ ریال
					رفیق ب - آل بوم ۱۳۳
					قطعه های شما رسید
					س - ۷۴۷، هدیه شما رسید
					امثو - سوئد ۵۰۰ م رسید
					هدیه عروسی ه - ف ۳۶۰۰۰
					ریال
					پیشکام توحید ۱۰۰۰ ریال
					دبیرستان ۲۲ بهمن
					۲۳۰۰۰ ریال
					دبیرستان پیشاهنگ ۶۰۰۰
					ریال
					دختران جوان شهریار
					۲۰۰۰۰ ریال
					عباس - ۲۷۱
					آواره ک ۸۳۰ ریال
					سفر کلیایی ۲۱۱۹
					رفقای نقاش شهرداری ۵۵۰۰
					ریال
					رفیق ح - ۸۵۵
					خانم ۲۰۱۳
					سحر ۱۰۰۰۰
					هدیه عروسی ش - ه
					ریال

شوراهای موجود به خاطر آنکه علاوه بر پیگیری خواست های صنفی - رفاهی کارگران ، در راه تأمین حقوق دیگری از قبیل حق مشارکت دموکراتیک کارگران در اداره تولید نیز مبارزه نموده و در عین حال به وظایف ناشی از مقتضیات تحکیم و گسترش انقلاب هم پاسخ می دهند از دامنه فعالیت وسیع تری برخوردار بوده و لذا می باید جایگزین سندیکا های موجود شوند .

این شیوه نگرش از مضمون فعالیت و دامنه حقوق و وظایف سازمان های سندیکایی درک روشنی از خود نشان نمی دهد و در نظر نمی گیرد که اولاً مبارزه سندیکایی مضمونی وسیع تر از آنچه که تصور می شود داشته و از جمله مبارزه در راه تأمین مشارکت کارگران در اداره تولید و نیز مبارزه در راه تحکیم و زرفایی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی را نیز دربر می گیرد تا با سندیکا هایی که در جریان انقلاب و در دوران پس از آن در واحدهای تولیدی و خدماتی بزرگ یا کوچک بوجود آمدند ، حاوی همین مضامین گسترده مبارزاتی بوده اند یعنی نه تنها در راه بهبود شرایط کار و زندگی کارگران تلاش می نموده اند ، بلکه به خاطر تأمین مشارکت کارگران در اداره تولید نیز فعالانه مبارزه می کرده اند ، مبارزه صنفی - رفاهی کارگران را به نفع مصالح تشبیه و تحکیم انقلاب به پیش می بردند ، به بسیج و تجهیز توده های صفوف کارگران در امر دفاع از انقلاب و تثبیت پیروزی های آن و در امر دفاع از میهن انقلابی در برابر تجاوزگران صفا می پرداختند و ...

نالتا آنکه مضمون و عملکرد شوراهای کارگری موجود نیز در عمل و نیز حتی به تصدیق مسئولین امور ، همین وجوه مختلف و متنوع را در بر می گرفته است ، به قسمی که این عملکردها ، شوراهای کارگری را در چارچوب شکل هایی از طراز سازمان های سندیکایی قرار می دهد .

بنابراین ، تفاوت کیفی قائل شدن بین سندیکا و شوراهای کارگری موجود و دیوار چین کشیدن بین آنها اگر ناشی از غرض نباشد ، از نسبدیدن چارچوب حقوق سندیکایی و ندیدن واقعیت اشتراک ...

سندیکایی هر دوی این سازمان ها (سندیکاها و شوراهای کارگری موجود) ناشی می شود . سندیکاها و شوراهای موجود سازمان هایی با سرشت و مضمون واحد سندیکایی هستند و نمی توان یکی را (به قیمت از هم پاشاندن دیگری) جایگزین آن کرد ، بلکه باید متادی ضرورت وحدت سازمانی آنها بود و در جهت تأمین این وحدت مبارزه کرد . و از این طریق نفی سندیکاها به اعتبار مشروعیت انقلابی و قانونی شوراهای موجود از پایه خطاست زیرا مشروعیت شوراهای موجود که بیش و پیش از هر چیز مشروعیت عملکرد انقلابی آنهاست ، متضمن تثبیت اصولیت و مشروعیت سندیکا های واقعی موجود نیز هست .

ما بار دیگر به مسئولین دولت جمهوری اسلامی متذکر می شویم که به جای وارد شدن در بیراهه هایی از این قبیل به اصل مساله که همانا پذیرش حق تشکیل آزادانه و داوطلبانه کارگران و سازمان های اصیل صنفی و سیاسی است ، توجه نمایند و این حق را که به همراه دیگر حقوق اتحادیه های در سندیکاها و شوراهای موجود تجسم مادی یافته و در اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی نیز انعکاس یافته است ، در قوانین و آئین نامه های اجرایی خود و بخصوص در قانون کار جدیدی که هم اکنون در دست تدوین است ، تضمین نموده و تمهیدات قانونی لازم جهت تأمین و اجرای آن را فراهم آورند .

تأیید شده است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران به جای افترازدن های بی اساس به سندیکاها و قائل شدن تفاوت های غیر اصولی میان مضمون و ارزش مبارزاتی آنها با شوراهای کارگری موجود ، به عملکرد ، مضمون و ماهیت یگانه آنها توجه نمایند و سندیکا های واقعی را به همراه شوراهای کارگری موجود مطابق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی ، تثبیت قانونی نموده و در راستای تأمین و تضمین حقوق کامل سندیکایی به همت همین سازمان های صنفی موجود کام بردارند .

ما در شماره های آینده بطور مشخص تر چگونگی از میان برداشتن موانع این راه را نشان خواهیم داد .



اد سیاسی، شیوه تولید
اری - امپریالیسم
'مه' تالیف گروهی از
ان زیر نظر
کازلف ترجمه
اخگر، از انتشارات
ده ایران
ا درسامهای در ۲۵۲
حت عنوان
الیسم " از طرف
ت حزب توده ایران
نه است. این کتاب
ه وسیله ده تن از
دان شوروی زیر نظر
سین کازلف، عضو
آکادمی علوم
ساد جماهیر شوروی
ستی " تهیه شده و
نم مسعود اخگر در
۱۳۶۰ منتشر شده

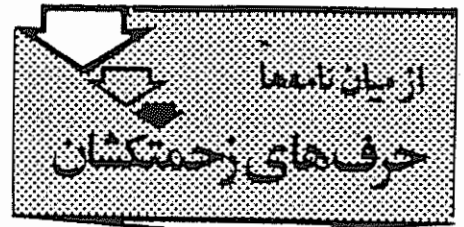
بحران سرمایه داری جهانی ،
رشد سرمایه داری انحصاری
دولتی ، بحران و تلاشی
سیستم استعماری امپریالیسم
ویژگی های کشورهای در حال
رشد ، ویژگی های عملکرد
قانون اضافه ارزش (با ارزش
اضافی) در شرایط
سرمایه داری معاصر ،
ویژگی های بازتولید (یا
تجدیدتولید) سرمایه داری
در شرایط کنونی ، بحران در
اقتصاد جهانی سرمایه داری و
تشدید آموزشی رشد آن ،
حادث شدن تضاد بین
امپریالیست ها و تضادهای
اجتماعی کشورهای
امپریالیستی مورد بررسی قرار
گرفته است در آخرین فصل
کتاب ، انتقادی از
تئوری های اقتصاد بورژوازی
و رفرمیستی دوران
معاصر انجام شده که با وجود
کوتاه بودنش (۲۴۹ - ۲۲۷)
از آنجا که احتمالاتها
پاسخ علمی به
" تئوری یافی " های رنگارنگ
اقتصاددانان سرمایه داری از
زمان " لردکینز " تا امروز
در زبان فارسی است ، لذا
اهمیت انکارناپذیر دارد ، به
ویژه آنکه در دوران رژیم
سرتگون شده گذشته
" تحصیل کردگان " فراوانی
در رشته اقتصاد سرمایه داری
در ایالات متحده آمریکا و
اروپای غربی با این
تئوری های بحداعلی مغرضانه
و سفسطه آمیز آشنا شده و آن
را در کشور ما اشاعه داده اند و
به منابه " آخرین سخن علم
" کلام " اوتوریته های
دانشگاهی درجه اول غرب
عرضه داشته اند .

به کتاب روان و با
زم بردرک عمیق متن
گرفته است . انتشار
شرایط کنونی انقلاب
ا که امپریالیسم به ویژه
بسم آمریکا به عنوان
شماره یک آن ، سعی
ست ، مسخ و
ساختن آن دارد ،
ست ضرور . زیرا هر
ارزان انقلابی ، دشمن
را علمی تر و زرقتر
د ، به همان اندازه
و صحیح تر با آن
ی کنند .
کتاب بدنیال درسامه
سیاسی سرمایه داری ما
حصار " تالیف
(ر) که آن هم در سابق
" انتشارات حزب
بران " چاپ شده ،
علمی لازم را برای
ساخت سرمایه داری و
دی های تکامل آن در
لوناگون رشد این نظام
نیار ما می گذارد و زبان
را از این جهت از
همی رها می سازد . اگر
است که " سیاست
تراکم اقتصاد است " .
اشتن سطح معین از
اقتصادی برای مبارزان
واحب است .
کتاب " امپریالیسم "

گزارد ولی طی هشتاد سال
اخیر که از عمر امپریالیسم
می گذزد ، این نظام
فانونمندی های تازه تکاملی
صهی را از سرگذرانده که همه
آنها در رساله " امپریالیسم -
بالا ترین مرحله سرمایه داری "
لنین منعکس نشده و
نمی توانست هم منعکس شود
زیرا لنین تا پیش از زانویه
سال ۱۹۲۴ نزیسته است .
از زمان تالیف رساله لنین
می گذرد در این شصت سال
تئورسین های اقتصادی
مارکسیسم در همه جا به ویژه
در اتحاد شوروی ، تلاش
همه سویه های بکار بردند تا
اقتصاد کشورهای رشد یافته
سرمایه داری را بررسی کنند و
تغییراتی که روی می دهد ،
قوانین تازه ای را که پدید
می شود ، قوانین کهنه ای که
دگرسانی می یابد ، مراحل
جدیدی (مانند سرمایه داری
انحصاری دراتی)
هم پیوندی با انترناسیون
جهانی اقتصاد امپریالیستی
که در امپریالیسم بروز می کند
اشکال جدید استعمار (مانند
استعمارتو) تاثیر اقتصاد
امپریالیستی در رشد
سرمایه داری در کشورهای
عقب مانده و به شکل ویژه بروز
برخی قوانین (مانند
بازتولید و سود و غیره) را
بررسی کنند و به مقولات و
احکام کهنه شده اکتفاء نوزند
ضرورت این کار روشن است .
بدون آن ، تحلیل سیاسی
صحیح ، ارزیابی علمی
روندهای تاریخی محال است
و خطر آن است که جنبش
انقلابی نتواند به موقع سرشت
رویدادها را درک کند .
در کتاب مورد معرفی ما سه
فصل اول در واقع با اثر
کلاسیک لنین تطبیق دارد .
ولی تازه در این فصول نیز
مولفین نکات فراوان تازه را وارد
ساخته اند . این سه فصل ۷۵
صفحه کتاب را در بر می گیرد .
از فصل چهارم تا فصل
پسازدهم (۲۴۹ - ۷۹)
مباحث جدید یا نسبتا
جدیدی است که پس از
تالیف اثر داهیانه لنین در
زندگی جهان امپریالیستی و
سرمایه داری پیش آمده و همه
نتیجه گیری ها ، نمره بحثها
و تصمیم های جمعی دور و دراز
رحال سیاسی و دانشمندان
مارکسیست - لنینیست
شوروی و جهانی است ، که
امروز این کتاب جامع ،
منسجم و مقنع را بوجود
آورده و گسره های کور را
می کشاید . شاید برخی از

زایش علمی دردناک چندین
ساله ای را از سرگذرانده
باشند و مدتی بطول
انجامیده باشد ، تا در میان
افراط و تفریط ها حکم
درست دیالکتیکی بدست
آمده است
برای ما انقلابیون ایران ،
سراسر کتاب گنجینه ای از
احکام چشم گشاست . به ویژه
قصولی که طی آنها بحران و
تلاشی استعماری امپریالیسم و
ویژگی های اقتصاد کشورهای
رشدیابنده (که در آن روند
تلاشی سیستم نواستعماری
امپریالیسم ، نواستعمار و
شیوه های آن دور راه رشد
کشورهای نواخته ملی و
تحولات اجتماعی - اقتصادی
در کشورهای رشدیابنده
توضیح می شود) بسیار جالب
است . اینها ، مسائل مبتلابه
امروزی ماست .
در این مبحث ، پس از
توضیح ساخت های اجتماعی
اقتصادی گوناگونی که در
جوامع کشورهای رشدیابنده
وجود دارد ، نشان دادن
عقب ماندگی اقتصاد ملی در
این کشورها و با ذکر آمارهای
جالب دور راه رشدیابنده
کشورها تشریح می گردد . یکی
از این دور راه امکان و ضرورت
راه رشد غیر سرمایه داری و
طرد سرمایه خارجی ، حل
مسئله صنعتی کردن در این
کشورها ، حل مسئله ارضی
در این کشورهاست . از آنجا
که این مسئله برای انقلاب ما
در شرایط کنونی فعلیت و
مبهرمیت یافته است ،
تحلیلها و احکام راهنمای
این کتاب می تواند به
غنی کردن اندیشه ما یاری
رساند . ما درست در مرحله ای
هستیم که این مسائل برای ما
دارای جنبه تجریدی - علمی
نیست ، بلکه نوعی برنامه
عمل است
از آمارهای جالب این
کتاب سخن گفتیم که معمولا
از حد سال ۱۹۷۵ بالاتر
نمی آید . در همین مبحث ما
آگاه می شویم که در جهان
چهار میلیارد نفری ما ۷۰٪
جمعیت ، یعنی ۲/۵ میلیارد
در " جهان سوم " زندگی
می کنند که ۵۴٪ استخراج
معدنیات با آنهاست ، ولی
تولید صنعتی کل آنها از
۱۵/۲٪ تجاوز نمی کند . در
حالی که سرانه درآمد هر نفر
در ایالات متحده آمریکا از
چهار هزار دلار بیشتر است ،
در کنگو (زئیر) که به وسیله
امپریالیسم غارت می شود و
یک کنج واقعی است ، درآمد
سرانه ۵۱ دلار است . در

از ۷۵ سال گذشته است . سن
متوسط در سگال که تحت
نظارت نواستعمار قرار دارد ،
۳۷ سال است .
فصول مربوط به بحران
عمومی سرمایه داری و تجزیه
جهان به دو سیستم اجتماعی
اقتصادی متضاد
(سرمایه داری و سوسیالیسم)
و مبارزه این دو سیستم (فصل
چهارم) و مربوط به تشریح
مشخصات سرمایه داری
انحصاری دولتی (مانند
مالکیت انحصاری - دولتی
برنامه ریزی دولتی ، دخالت
دولت در تنظیم روابط
کارفرمایان و کارگران ، ایجاد
مصرف وسیع دولتی به ویژه
از راه نظامی کردن اقتصاد ،
پشتیبانی دولت از سطره
انحصارها در خارج از کشور
خود ، پیدایش شرکت های
چندملیتی ، تشدید پیوند
مشخص سرمایه انحصاری با
دولت بورژوازی و غیره) نیز
از جهت آشناسختن ما با
سرمایه داری معاصر در
کشورهای رشدیافته ، دارای
اهمیت فراوانی است و بدون
درک آنها ، دشمن اصلی را
در وضع امروزی نمی توان
شناخت
نکات مندرجه در فصل های
هفتم و هشتم کتاب (یعنی
ویژگی های عمل قانون اضافه
ارزش و بازتولید در شرایط
سرمایه داری امروز) مانند :
ماهیت سود انحصارها و
شیوه های بدست آوردن این
سود تناسب میان سود
انحصاری و سود متوسط
در دوران امپریالیسم ، تغییر
شرایط بازتولید پس از جنگ
دوم جهانی در نتیجه تاثیر
سیستم جهانی سوسیالیستی
و انقلاب علمی و فنی نیز
دارای اهمیت فراوان است ،
زیبیرا کلیدهای درک
پدیده هایی را بدست می دهد
که آنها را تنها بر پایه
فانونمندی های سرمایه داری
مقابل انحصاری نمی توان
فهمید و درست در مورد همین
مسائل ، سفسطه های پیچیده ای
از جانب تئورسین های
اقتصاد سرمایه داری انجام
می گیرد و مارکسیست هایی که
بخواهند بشکل جزئی مسائل
را تنها بر اساس احکام
پیشین حل کنند ، ناگزیر
دچار اشکال و سردرگمی
می شوند
اشاره ما به مباحث و
فصول معین به هیچ وجه به
معنای اهمیت کمتر مباحث و
فصول دیگر نیست کتاب
از آغاز تا پایان با دقت
خواندنی است و مطالب آن



کشت و صنعت هفت تپه

با سیاست لیبرال‌ها اداره میشود

در شرایطی که جامعه ما به تولید هرچه بیشتر واحدهای تولیدی نیاز دارد و طبعا یکی از شروط اساسی در تأمین چنین تولیدی که بتواند پاسخگوی حداقل نیازهای جامعه انقلابی ما باشد وجود مدیریت‌های صالح و دلسوز به انقلاب و جمهوری اسلامی است، متأسفانه هنوز هم در قسمتی از واحدهای تولیدی ما، مدیریت‌ها یا در بست و یا بطور عمده در اختیار لیبرال‌های امریکازده است. واحد تولیدی کشت و صنعت هفت تپه نمونه بارز و روشنی از این حقیقت تلخ است. در زیر نامه یکی از زحمتکشان راکه افشاگر مدیریت لیبرال این واحد تولیدی بوده و به نشریه ارسال داشته‌است و نیز اعلامیه‌ای را که هواداران سازمان در هفت تپه برای ما فرستاده‌اند و چهره لیبرالی مدیریت این واحد را معرفی کرده‌اند، درج می‌شود:

با درود بیکران به نیروهای انقلابی و زحمتکش ایران و جهان، من این نامه سرشار از عشق و علاقه را برای سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (رهروی حقیقت می‌نویسم تا مشکلات کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را همراه با اشاره‌ای کوتاه به زندگی‌ام شرح دهم:

زندگی من نیز مانند کارگران و زحمتکشان دیگر در فقر و کار و مبارزه سپری شد. من از کودکی به خاطر از دست دادن پدر زحمتکشم ناگزیر بودم با کار، خانواده‌ام را سرپا نگهدارم. و هرچند از ادامه تحصیل روزانه محروم شده بودم ولی به‌هر صورت که بود تحصیل را رها نکردم و هروقت عصرها از کار برمی‌گشتم، سری به معلم دهمان که انسانی انقلابی و دلسوز بود می‌زدم و به تحصیل ادامه می‌دادم. معلم مرا به خواندن کتاب‌های صمدبهرنگی و ماکسیم گورکی تشویق می‌کرد تا از زندگی و مبارزه زحمتکشان آگاهی بیشتری پیدا کنم. بعدها شنیدم که این معلم و

دوست بزرگ من در سال ۱۳۵۵ همراه با چند تن دیگر از رفیقان بدست جلادان رژیم منفقور پهلوی به شهادت رسید. او معلمی مردمی و عضو سازمان فدائیان خلق بود. یادش زنده و گرامی باد.

حال می‌خواهم در مورد وضعیت ناگوار واحد تولیدی‌ای که در آن مشغول کارم بگویم. واحد تولیدی هفت تپه با حدود ۸ هزار پرسنل با سیاست غیرانقلابی و لیبرالی اداره می‌شود. در حالی که ما کارگران از همه چیز محروم بودیم مدیریت، حقوق کلانی به روسای بخش‌های مختلف می‌داد و می‌دهد. قبل از اینکه این مدیریت برای کنترل امور از طرف دولت منصوب شود یعنی در آغاز پیروزی انقلاب، به همت انقلابی کارگران، ما توانستیم ۱۰۰ هزار تن شکر (در بهره‌برداری سالانه) تولید کنیم. در چنین وضعیتی بود که مدیریت کنونی سرو کله‌اش پیدا شد و چند تن از سرمایه‌داران شرکت ایرفورا نیز در کنار خودش گذاشت و به انحای مختلف روی ما فشار آورد. ولی ما به خاطر پیشرفت انقلاب، ضمن افشای سیاست غیرانقلابی مدیریت دانا در جهت افزایش تولید کوشیده‌ایم از جمله اقدامات ضدکارگری و حتی ضدانقلابی مدیریت که باید افشا شود، تعلل در رساندن وسایل ضروری به جبهه جنگ، استخدام بی‌رویه افراد طرفدار سیاست لیبرالی با حقوق گزاف، مبارزه با کمیته انقلاب اسلامی، کانون نشر فرهنگ، واحد بسیج کارگری، و... می‌باشد. کارگران انقلابی کشت و صنعت می‌پرسند چرا این واحد تولیدی عظیم باید در دست مدیرانی از این دست باشد؟ این واحد به همت کارکنان متعهد و انقلابی است که در حال گردش است نه روسای وابسته به مدیریت لیبرال. من به عنوان کارگری که متعهد به انقلاب و وفادار به آموزش‌های انقلابی معلم شهیدم هستم، همیشه سعی داشته‌ام دو شاگرد دیگر برادران کارگرم اقدامات ضدکارگری و ضدانقلابی این زالوها را افشا نمایم در عین حال می‌خواهم در اینجا از روزنامه کسار نیز به خاطر افشاکاری‌های مسئولانه و انقلابی‌ای که از سال ۵۷ تاکنون از سرمایه‌داران لیبرال کشت و صنعت داشت، تشکر کنم. و متعاقبا ادامه پیگیرانه و قاطعانه افشاکاری‌های انقلابی از مدیران ضدانقلابی و لب‌ال را خواستارم. چون اعتقاد دارم که افشاکاری‌های مسئولانه و انقلابی کمک زیادی به رشدهای دشمنان ما از دشمنان انقلاب و چاره‌اندیشی‌های بموقع برای تقویت انقلاب می‌کند.

کارگر کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

یا کوتاه‌تر باشد. سپس خواننده می‌تواند به رزومه خود مراجعه کند و آن را بارها بخواند به نحوی که نه تنها "مقولات"، بلکه به‌ویژه احکام و استدلالات در حافظه‌اش بنشیند و بتواند از فراگرفته‌ها، عملاً در روند اندیشیدن استفاده کند و آن را به افزار مبارزه بدل سازد. اگر ثوری به عمل بدل نشود، بنا به تشبیه معروف، قطب‌نمای

بخت را که انباشته از مصطلحات و مقولات و احکام و استدلالات و آمارها و واقعیات است، مانند یک "رمان" نمی‌توان خواند. خود شیوه بررسی این قبیل کتب نیز مهم است شاید یکی از شیوه‌های سودمند پس از یک بار خواندن دقیق، در بار دوم تدارک "رزومه" یا فشرده‌گیری از کتاب (بر حسب درجه نیاز خواننده) است که می‌تواند تفصیلی‌تر

معرفی کتاب ...

زنجیره‌وار به هم متصل است و شرط ادراک عمیق یک فصل ادراک عمیق فصول پیشین است. این سخن از زمره توضیح واضحات باشد، ولی ذکر آن بی‌فایده نیست که کتبی از قبیل کتاب‌های مورد

در رابطه با افشاء مدیران لیبرال واحد تولیدی کشت و صنعت هفت تپه، هواداران سازمان در هفت تپه، اعلامیه‌ای داده‌اند که در زیر متن آن برای آگاهی هم‌میمنان انقلابی، درج می‌شود.

استوار و پر شور تر تولید را

افزایش دهیم

بیش از یک سال از جنگ تحمیلی صدایی - آمریکایی می‌گذرد، کارگران میهن انقلابی ما، تمامی مشکلات و مصائب ناشی از جنگ، پر شور استوار دین خویش را در قبال مردم و انقلاب اد کرده‌اند. شرکت فعال در بیکار انداختن واحدهای تولیدی، تعمیر و ترمیم کارخانه‌ها و موسساتی که مورد حمله جنگنده‌های رژیم صدام قرار گرفته‌اند، ایثار انقلابی و خلاقیت در بهبودی و افزایش تولید، شرکت فعال در جبهه‌های جنگ میهنی و... همه سخن از شرکت فعال کارگران در انقلاب میهنمان می‌کند.

کارکنان مبارز و متعهد!

امسال ما در شرایطی به پیشواز برداشت بهره‌برداری می‌رویم که میهن انقلابی ما هرچه بیشتر نیاز به تولید بیشتر و با کیفیت بالاتر دارد. بدیهی است که تولید بیشتر و با کیفیت احتیاج به مدیریت سالم و صالح و مردمی دارد که متأسفانه در طرح نیشکر هفت تپه فاقد آن هستیم. تجربه ثابت کرده است که مدیریت کنونی در جهت عکس این سیاست انقلابی (افزایش تولید) کار کرده است. بنابراین ب افشا و طرد مدیران لیبرال و اتحاد انقلابی خودمان است که می‌توانیم تعهدات انسانی خویش را در قبال مردم و انقلاب انجام دهیم در این رابطه نهادهای انقلابی (کمیته انقلاب اسلامی، کانون نشر و فرهنگ اسلامی، انجمن اسلامی کارکنان شرکت نیشکر هفت تپه، بسیج واحد کارگری، پاسداران مستقر در طرح نیشکر و...) باید در جهت پیشبرد این سیاست اصولی، کمیته هماهنگی تشکیل دهند. تا با اتحاد یکپارچه و انقلابی خود توطئه‌های مجریان سیاست‌های امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا را خنثی و گام‌های عطفی در جهت افزایش تولید برداریم.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هفت تپه

ظاهر امور ضد و مخالف اصل و ماهیت است و لذا جای وسیعی برای سفسطه و عوام‌فریبی و توضیحات عامیانه می‌گشاید، به آسانی فراگیرد. ما بررسی عمیق و مکرر کتاب را به همه انقلابیون صدیق ایران اکیدا توصیه می‌کنیم، تا خود را، به‌ویژه در این عرصه، از تارهای مارکسیست‌نماهای روبریونیست، غربی، برهاند

خبرهایی از روستاهای کشور

همدان

* - دهقانان کم زمین و زمین قریه والا شجر سرد توابع همدان ، در بهار مال اقدام به صادره و ت حدود ۳۰ هکتار از بن های آبی یکی از مالکین باقیه منطقه نمودند . این متکشان طی نامه ای به ات هفت نفری واگذاری بن اظهار داشتند ضمن میت و پشتیبانی از انقلاب جمهوری اسلامی و در جهت الح آن دست به این ام انقلابی زده اند .

کرمانشاه

* - دهقانان زحمتکش روستای سالارآبادسنجایی برای شرکت در اداره امور خسوش و دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ، شوراهای اسلامی روستای خود را تشکیل داده و طی طوماری از ارگان های انقلابی و مقامات مسئول خواستار تأیید و حمایت از این شورا گردیدند

* - دهقانان زحمتکش به گل تپه همدان که در ار سال ۵۹ طی تنظیم رتجلسه ای اقدام به کشت بن های بلاکشت اطراف ستا نمودند ، اکنون که یک سال و نیم از آن تاریخ سی گذرد ، بار دیگر از ثولین جمهوری اسلامی خواهند تا در کشتی که در ن دارند به یاری آنها تابند .

چناران

* - طی سمیناری که از ت جهاد سازندگی چناران شرکت کلیه شوراهای می روستاهای منطقه بعمل نمایندگان دهقانان سخنرانی های خود ضمن مردن شرح جنایات و ظلم ستم فئودال های منطقه و بی مزدور آنها در حق قانان زحمتکش خواهان ای کامل قانون اصلاحات بی و محو فئودالیسم و گمالکی در روستاها شدند سا از مجلس و دولت استند که با تصویب و ای هرچه سریع تر قانون لاحت ارضی به تعمیق و نرش انقلاب یاری رسانند

بندرعباس

شورای اسلامی روستای ده قلعه از توابع منوجان شهرستان بندرعباس ناکنون در جهت رفاه حال و تأمین حقوق زحمتکشان روستا فعالیت های عمربخشی داشته که مورد تأیید و پشتیبانی اهالی قرار گرفته است . از جمله در جهت تأمین سوخت مردم روستا مثل گازوئیل و روغن برای موتورپمپ های کشاورزی و نفت سفید که قبلا با مشکلات زیاد و از مسافت نسبتا دور تأمین می گردید . با جمع آوری کمک های داوطلبانه اهالی اقدام به خرید دو مخزن هر کدام به گنجایش ۲۰۰۰۰ لیتر و تشکیل شعبه فروش مواد سوختی در روستا نمود . همچنین با تحدید نظر در تقسیم کارت های کتک کمیته امداد امام که قبلا بدون تحقیق و نا عادلانه انجام گرفته بود ، از ۱۱۰ کارت خانواری تعداد ۶۵ کارت را باطل اعلام کرده و در پاسخ به اعتراض تعدادی از این خانوارها ، به توضیح مجموعه امکانات کمیته امداد امام و اینکه این امکانات محدود باید بصورتی عادلانه در اختیار کسانی قرار گیرد که واقعا بدون آن قادر به تأمین زندگی خود نیستند به روشنگری و اقناع مردم پرداخت . در مجموع این اقدامات شورای اسلامی روستای ده قلعه مورد پشتیبانی زحمتکشان قرار گرفت و آنان با حمایت عملی خود شورا را یاری می رسانند

* - زحمتکشان روستای سیمینه سفلی طی طوماری برای جهاد سازندگی ضمن حمایت قاطع از رهبر انقلاب و ارگان های انقلابی خواهان رسیدگی و بهبود وضع تعاونی روستای خود شدند .

زابل

روستای دهکسول در بخش پشت آب و در ۹ کیلومتری شهرستان زابل قرار دارد در گذشته اکثریت اهالی این روستا از داشتن زمینی برای کشت محروم بوده اند ، چرا که بیشتر زمین های روستا که حدود ۲۵۰ هکتار می شود متعلق به یکی از فئودال های معروف منطقه و عضو جبهه ملی بود . در اوایل مهرماه سال جاری شوراهای دهقانی روستای دهکسول از شورای کشت شهرستان زابل می خواهند تا به وضع زمین های فئودال مزبور رسیدگی نماید . شورای کشت زابل نیز بلافاصله به خواست روستائیان رسیدگی کرده و این زمین ها را به صاحبان واقعی اش یعنی دهقانان زحمتکش دهکسول واگذار می نماید که این عمل مثبت و انقلابی مورد پشتیبانی و استقبال شدید زحمتکشان روستا قرار می گیرد

و در جهت تقویت هرچه بیشتر آن گام برمی دارند .

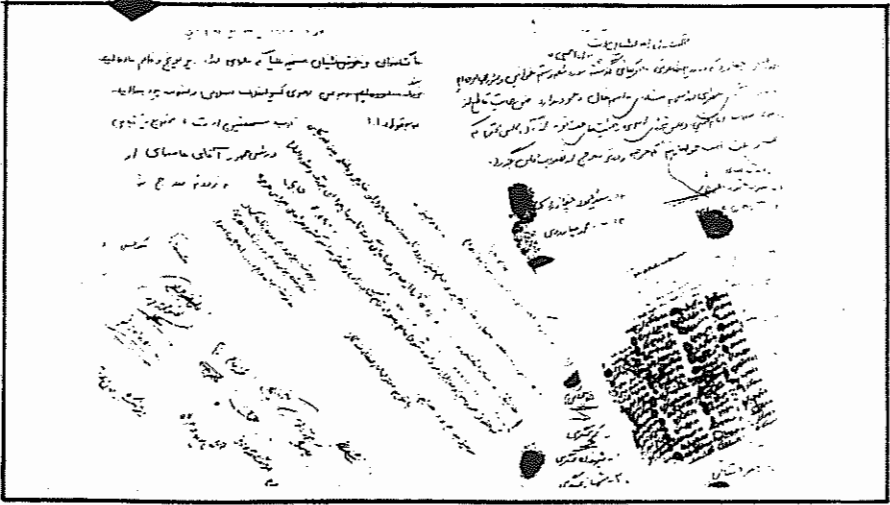
به خواست های پنبه کاران بجنورد رسیدگی کنید

در سال جاری بیشترین سطح زیر کشت پنبه بجنورد در منطقه مانده ، به ویژه روستاهای محمودآباد ، شیبترین دُر ، قارناس پیش قلعه کیکانلو و کلانتر و نیز قسمتی از زمین های سلفقان قرار داشت ، اما بارندگی زیاد و جاری شدن سیل خسارات زیادی به پنبه کاران منطقه خصوصا روستاهای محمودآباد ، قارناس و پیش قلعه وارد آورده است . بیشتر خسارت ها ناشی از بیماری کرم غوزه پنبه بوده که حدود ۴۰ الی ۵۰ درصد تخمین زده می شود . اکنون برداشت در مناطق گرمتر مانند سلفقان شروع شده است ولی در منطقه مانده هنوز غوزه های پنبه باز نشده اند . بنا به اظهار روستائیان مسئولین دولت جمهوری اسلامی در منطقه ، امسال نیز چون گذشته موضع روشنی در مورد خرید محصول پنبه کشاورزان ندارند و حتی یکی از مسئولین در مانده اظهار داشته که امسال دولت پنبه نمی خرد و یا در مورد دیگر قیمت پنبه ۷۷ ریال اعلام شده که غیر قابل قبول است . بدین ترتیب عملا امسال هم دست سلف خرها و تجار پنبه برای غارت دسترنج روستائیان باز گذاشته شده است . بدین جهت دهقانان پنبه کار منطقه ، به ویژه

آنهايي که محمولشان آسیب دیده است از دولت جمهوری اسلامی می خواهند تا با خرید محصول پنبه به قیمت های عادلانه و کمک برای جبران خسارت های وارده از آن پشتیبانی نماید .

اجرای بندج ود خواست مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور

میلیون ها دهقانان زحمتکش و رنج دیده میهن که سالهای سال زیر ظلم و ستم وحشیانه خوانین و مالکان جنایتکار قرار داشتند ، اکنون بیش از هر زمان دیگری چشم به مجلس شورای اسلامی دوخته اند تا با تصمی قاطع و انقلابی به رنج و محنت سالیان آنها خاتمه بخشد چرا که آنان خوب می دانند اکنون دیگر برای تصویب و اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی هیچ عذر و بهانه ای پذیرفته نیست این هفته نیز طومارهایی داشتیم از زحمتکشان روستاهای چغازرد ، سیمینه علیا ، فریمان عباسوند سنجایی از توابع کرمانشاه و روستای نوآباد ورکاوه از توابع شهرستان آمل که در آنها با استاد به گفته های امسام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار تصویب هرچه سریع تر بندهای ج و د قانون اصلاحات ارضی گردیدند .



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

جوانان یکی از ارکان ارتش بیست میلیونی هستند

چگونگی پذیرش استاد و دانشجو در دوره انده تهیه شده است دارای ابهامات ، عدم صراحت نواقص جدی است که با توجه به مجموعه اشکالات نارساییهایی که در طرحهای مربوط به انتخاب ترکیب اعضای شورای پذیرش وجود دارد ، در ترکیب نمی تواند راهگشای حرکت فعال و موثر و منطبق مصالح انقلاب برای آغاز کار دانشگاهها باشد این امر بخواهی خود را در اولین گامهایی نیز امروز برداشته می شود ، نشان می دهد .

ما بار دیگر تاکید می کنیم شرط تحقق تدابیر که در رابطه با آغاز کار مجدد دانشگاهها با اندیشیده شود . آن است که ارگانهای مسوول خلاقیت های فکری و انرژی اجرایی دانشجویان دانشگاهیان و استادان مومن به انقلاب و متعهد ، جمهوری اسلامی بهره گیرند و همکاری نزدیک آنان طلب نمایند و پذیرا شوند و در غیر این صورت شاهد آن خواهیم بود که علیرغم تاکیدات مکرر وعده های دور و نزدیک ، بازگشایی دانشگاه بصورت رویایی دست نیافتنی باقی بماند همچنان که تا امروز چنین بوده است .

* * *

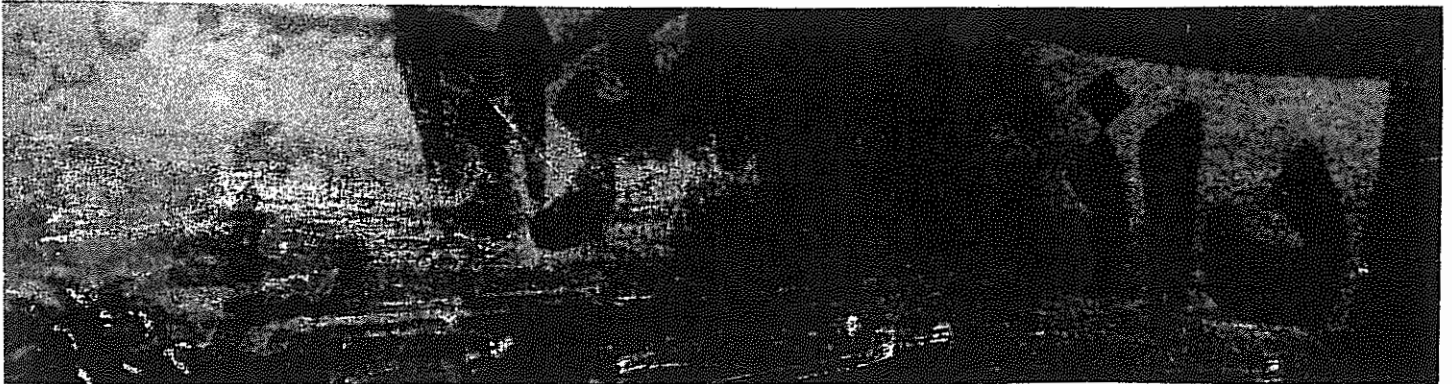
در سالگرد روز دانشجو ، ضمن بزرگداشت خاطره پرشکوه شهدای ۱۶ آذر و تمامی شهدای دانشجو . بار دیگر بر مسوولیت تاریخی اعضا ستاد انقلاب فرهنگی ، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دیگر مسوولین در قبال انقلاب و توده تاکید کرده و برخورد هرچه مسوولانه تر آنان را امر بازگشایی دانشگاهها و طرحهای ارایه طلب می نماییم . و امید آن داریم که پاسخگویی انقلابی و واقع بینانه مسوولین امر این رسالت بزرگ ، در ۱۶ آذر سال آیند دانشگاههای کشور ، دانشگاههایی فعال و پرژ در خدمت انقلاب بوده و گسترش هرچه بیشتر پوشش آموزشی توده های جوان هرچه وسیعتری در دستور کار خود قرار داده باشند و جنب دانشجویی نیز با ارایه کارنامه های پربار درخشان از فعالیت یکساله خود برگ دیگری دفتر تاریخ پرافتخار جنبش دانشجویی ایرا بیفزاید .

می طلبد که دانشگاههای کشور فعال و پرتحرک صدها هزار جوان دانشجو را در صفوف یکپارچه و متحد به خدمت امروز و فردای انقلاب درآورد . و دریغ که سومین سالگرد ۱۶ آذر بعد از انقلاب را درحالی پشت سر می گذاریم که بیش از یکسال ونیم از بسته شدن دانشگاههای کشور می گذرد . و پرسیدنی است که چرا علیرغم سیار مبرم انقلاب و با وجود تاکیدات امام خمینی رهبر انقلاب ، شخصیتها و مسوولین طراز اول کشور مبنی بر بازگشایی سریع دانشگاهها و مدارس عالی ، هیچگونه چشم انداز روشن ، جامع و مطمئنی در این زمینه وجود ندارد ؟

ما گفته ایم . باز هم تکرار می کنیم که برای تربیت کادرهای متخصص جهت نیل به استقلال اقتصادی در مسیر قطع وابستگی های فنی - تکنولوژیک به امپریالیسم جهانی ، برای بخدمت گرفتن نیرو ، تخصص و شور انقلابی دانشجویان در امر سازندگی کشور و شکوفایی انقلاب ، برای جذب دانشجویان به کار و آموزش فعال و جلوگیری از نابسامانی ، سرگردانی و بیگاری آنان ، برای خلق سلاح ضد انقلاب جهانی و داخلی در تبلیغ علیه انقلاب و " ضد علم و دانش " معرفی کردن آنان و بالاخره برای پیشبرد هرچه پربارتر انقلاب آموزشی این رکن مهم انقلاب فرهنگی ، بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی کشور از ضرورت و فوریت تام برخوردار است . همانگونه که امام هم در زمینه انجام اصلاحات پس از بازگشایی و هم در زمینه استفاده از همه نیروهایی که سر ناسازگاری با جمهوری اسلامی راندارند تاکید نمودند ، ما نیز اعتقاد داریم بازگشایی دانشگاهها (بویژه در رشته های پزشکی ، فنی و مهندسی ، کشاورزی و تربیت معلم) و پیشبرد و پیگیری انقلاب آموزشی در شرایط گشوده بودن دانشگاهها و با شرکت گسترده و فعال دانشگاهیان متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی می تواند راه حل منطبق بر مصالح انقلاب برای مساله دانشگاهها باشد . ما برآنیم که نکته اخیر ضرورتی است که باید ناظر بر تمامی تصمیم گیریها و اقدامات در رابطه با مساله دانشگاه باشد . طرحهایی که تاکنون در مورد

بار دیگر ۱۶ آذر ، روز دانشجو ، روزی تاریخی و درخشان در مبارزات پرشور دانشجویان ایران علیه امپریالیسم و استبداد فرارسید . از ۲۸ سال پیش که سنگفرش های دانشگاه تهران به خون ۳ دانشجوی انقلابی و میهن پرست ، شریعت رضوی ، بزرگ نیا و قندچی رنگین گشت ، تقریباً هرساله در ۱۶ آذر دانشجویان ایران با خون و فریاد و مشت های گره کرده ، افشاکر خیانتها و جنایت های رژیم مزدور شاه و فریاد گر تسلیم ناپذیری و رزمندگی جنبش دانشجویی ایران بوده اند . دانشجویان انقلابی میهنان که در تمام دوران خفقان و نکبت آریامهری دلیرانه و به اشکال مختلف به نبرد با وابستگی و استبداد ادامه می دادند ، بزرگداشت خاطره شهدای دانشجو در ۱۶ آذر را به سنتی ریشه دار در تداوم و گسترش مبارزه علیه امپریالیسم بدل نمودند .

اکنون که به نیروی توفنده خلق بساط حاکمیت مزدوران امپریالیسم درهم نوردیده شده است و انقلاب در کشاکش مبارزه های حاد با دشمنان داخلی و خارجی و با غلبه بر ضعفها و نارساییها همچنان به پیش می رود ، سنت بزرگداشت روز دانشجو در برخورد هرچه مسوولانه تر با مصالح انقلاب و توده ها و نقش دانشجویان و دانشگاه در قبال آن است که به نمایش درمی آید انقلاب ، امروز می طلبد که نیروی عظیم دانشجویان در جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی در برابر توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به حرکت درآید . انقلاب امروز نیاز دارد که در تلاش خلق برای سازندگی و تامین پایه های اقتصادی و فرهنگی استقلال میهن ، دانشجویان با کوشایی هرچه بیشتر در امر آموزش و بکارگیری خلاق آموخته ها نقش ویژه و حساس خود را ایفا نمایند . انقلاب از دانشجویان می خواهد با اشاعه و ترویج ایده ها و آرمان های انقلاب در میان مردم و ارتقای آگاهی آنان و حفظ روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر ترندهای ضدانقلاب ، انقلاب ما را از لحاظ معنوی آسیب ناپذیر سازند و لذا انقلاب امروز



مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

شصتمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان
گرامی باد

به جای تفرقه افکنی، درس اتحاد بدهیم!

شصتمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان، میر نهضت جنگل این هفته سری شد. میرزا کوچک خان از جمله مبارزینی بود که در انقلاب ثروطیت شرکت فعال داشت. وی پس از به کشت انجامیدن این انقلاب سان همسه قلابیون دیگر علیرغم موعظه سازشکاران و سیاستشنگان، تنگ را بر زمین نهاد و خاطر آرمان‌هایی که از انقلاب سرروطیت، ای تحقق آنان شعله‌ور گشته و باکام به خاموسی آئیده بود، به مبارزه انقلابی ادامه داد. میرزا کوچک خان در بزایی نهضت جنگل که ۷ ل طول کشید و برای به‌کرسی نشاندن آماج ست ایافته انقلاب سرروطیت شعله گرفت - ش موثری برعهده داشت.

میرزا با درکی انقلابی از اسلام، برای ایی ایرانیان از یوغ استعمار امپریالیسم گلستان و روسیه تزاری مبارزه می‌کرد و بر سر بین مبارزه نر جان خویش را از دست داد. او ف. و مقصود مبارزات ۷ ساله خود را در نامه‌ای روشتننن نماینده مختار روسیه شوروی در ران جنس سان داشت:

من و یارانم در مشقت‌های فوق‌العاده چندین نه، هیچ مقصودی نداشته و نداریم، جز حفظ ان از تعرضات خارجی و فشار خاتننن داخلی، بین آزادی رنجبران ستمدیده مملکت و استقلال نومت ملی.

یاد این سید زاد استقلال و آزادی میهن گرامی باد!

چه کسانی از تحریف تاریخ سود برده‌اند

و می‌برند؟

امپریالیسم و ارتجاع محلی وابسته به آن برای یگیری از انقلاب و قیام توده‌های تحت ستم آره چاره کار را در ایجاد اختلاف و جمد تکی بین مردم دیده‌اند. تجارب دهها ساله و لایات گوناگون نشان داده است که اختلاف و قه، موثرترین سلاح امپریالیسم در مقابله و رزه با مردم کشورهای زیرسلطه بوده و هست. ر این سیاست توطئه‌گرانه امپریالیسم به‌ویژه در ههای اخیر بر پایه ایجاد اختلاف و دشمنی بن انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای خواه قرار گرفته است. تجلی بارز چنینیست ست توطئه‌گرانه‌ای را در زمان حکمرانی شاه وع آمریکائی، همه مردم میهن ما به عیان هاند. و تاریخ نزدیک به یک قرن مبارزات پر درد و حماسه میهن ما نیز آئینه تمام نمای است. خاندان فاسد پهلوی و اربابان کائی و انگلیسی آن در بیش از نیم قرن ط جابرانه بر جان و مال و ناموس مردم مسا بدند بین انقلابیون و توده مردم تخم بنی و نفاق پاشانده و از این طریق به لای غارتگرانه خود بر مردم ادامه دهند. استان امپریالیسم ساخته "خیانت ثوروی و یست‌ها به نهضت جنگل" نیز یکی از این

ترفندهای تبلیغاتی آنان بود که به منظور ایجاد اختلاف بین انقلابیون آفریده شد. واضح است که شاهان پهلوی و اربابان آنان نه دلشان به حال میرزا می‌سوخت و نه نهضت جنگل - هم میرزا و هم نهضت جنگل به دست همین جلادان سرکوب‌شدند - آنها از اشاعه این خزعبلات امپریالیستی یک هدف را دنبال می‌کردند و آن هم اختلاف، اختلاف بازار هم اختلاف... جان تبلیغاتی از سوی امپریالیسم و عمال آن امری غیر عادی نبود. آنها بر پایه همین دروغ‌پردازی‌هایی که برخی از مردم بر بستر ناآگاهی به آن باور می‌کردند، ساط خود را گسترده بودند.

با کمال تاسف باید گفت که ۵۰ سال دروغ‌گویی و فریبکاری و پیش بردن سیاست تحمیق، اثرات عمیقی در جامعه ما باقی گذارده که ۳ سال انقلاب عظیم مردم ما نیز هنوز نتوانسته است آن را رایل سازد و نتیجتاً برخی نیروهای صدیق انقلابی نیز هنوز نتوانسته‌اند اثرات شوم آن را از ذهن خود بزایند.

کارزار وسیع ضدکومنتی که این هفته در نشریات و رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی - به بهانه سالگرد شهادت میرزا کوچک خان - همراه افتاد، برای همه نیروهای صدیق انقلابی، تاسف‌انگیز و دردآور بود. آنچه روزنامه‌ها نوشتند و رادیو - تلویزیون گفت و شان داد، حکایت از آن داشت که متاسفانه هنوز جعلیات امپریالیستی - ولوپطور ناآگاهانه - در این جامعه انقلابی ما کارساز است.

در شرایطی که مردم ما برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم جهانی و ضدانقلاب داخلی بس از هر زمان به وحدت و بازم وحدت احتیاج دارند، اینگونه حملات ناحوانمرده به انقلابیون کمونیست و کشورهای دوست و یستیان انقلاب تا آنجا پیش رفت که اتحاد ثوروی و انقلابیون کمونیست مسئول شکست جنس گیلان قلمداد شدند! به این "تحلیل" توجه کنید:

"به دنبال مذاکرات سری ثوروی و انگلیس و زدوبندهای پشت‌پرده بر سر انقلاب جنگل معاطله شده و قرار می‌شود (!) ثوروی توسط عوامل خویش انقلاب جنگل را نابود کند!!"

اگر این "تحلیل" مشعش در روزنامه‌سه جمهوری اسلامی به چاپ نرسیده بود، بی‌تردید می‌شد گفت که ساخته مستقیم دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی است.

ضمین نهایت تاسف از اینکه تحلیل به‌جا از شخصیت انقلابی چون میرزا کوچک‌خان به کارزار ضدکومنتی و لحن‌مال کردن گروهی دیگر از انقلابیون جان‌برکف میهن ما تبدیل گشته است، برای روس شدن اذهان، ذکر چند نکته در مورد حوادث جنگل - بدون وارد شدن در جزئیات - ضروری است:

* میرزا کوچک خان "اطمینان کامل" داشت که: ثوروی "به تمام ملت‌های خواهان آزادی کمک

لازم خواهد نمود تا بر ضد دشمن مشترکشان قیام کنند".

* هدف امپریالیسم آمریکا، رژیم شاه و پس‌مانده‌های آنان از اشاعه افسانه موهوم "دشمنی ثوروی" با انقلاب مردم ایران روشن است. امام خمینی این هدف را به رساترین وجهی افشا ساخته و گفتند:

"یک دسته ثوروی را طرح می‌کنند، تا آمریکا منسی بشود". ادعای "تابودی" جنس جنگل توسط ثوروی نیز برای آن طرح شده تا ماهیت واقعی دشمنان مردم ایران در برده بماند.

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اکثریت، لنین در اولین خطابه خود به‌عنوان صدر ثورای کمسره‌های خلق به‌تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق جنس می‌گوید:

"ما اعلام می‌داریم که قرارداد تقسیم ایران از هم دریده شده است. از جانب روسیه و دولت انقلابی وی اسارت در انتظار شما نیست". و از آن پس تاکنون، این فرمان سنگ‌بنای سیاست اتحاد ثوروی نسبت به ایران بوده است. در ۲۶ ژوئ ۱۹۱۹ دولت ثوروی در اعلامیه‌ای خطاب به مردم ایران از کلیه حقوق و مطالبات و امتیازات خود و اتباع روسیه تزاری در ایران صرمنظر کرده و حقوق کابیتولاسیون را ملغی نمود.

بر پایه همین سیاست و پس از پیروزی انقلاب اکثریت یود که جنس جنگل نیز به اوج شکوفائی خود رسید. میرزا کوچک خان که تأثیر انقلاب اکثریت بر نهضت جنگل را می‌دید و بر آن ارج می‌نهاد، هیچگاه حتی در اوج اختلافات - به روسیه ثوروی به چشم دشمن ننگریست. او در نامه خود به لنین ضمن شکایت از چپ‌رویی‌ها و اقدامات خودسرانه "افراد ناسالم" چنین می‌گوید:

من به‌وسیله این نامه، روساء ملت آزاد روسیه را مخاطب قرار داده و از آنها می‌خواهم که به آثار مظلوم و تعدیات دولت جبار تزاری که هروقت به نحوی به‌وسیله عمالش جلوه‌گر شده، خط بطلان بکشند... من و رفقایم اطمینان کامل داریم که ملت آزاد روسیه، آزادی خویش را به‌نحوی شایسته حفظ خواهد کرد و به تمام ملت‌های خواهان آزادی کمک لازم خواهد نمود تا بر ضد دشمن مشترکشان قیام کنند... به‌کسانی که ثوروی را "عامل نابود کننده" نهضت جنگل می‌دانند، باید گفت: "کاسه داغ‌تر از آتش" نشده و آب به آسیاب دشمنان انقلاب تریزید!

* هیچ‌کس به‌اندازه کمونیست‌های داخلی و رهبرشان حیدر عموآغلی برای وحدت جنگلی‌ها نکوشید.

این ادعا که کمونیست‌های ایران به جنس جنگل خیانت کردند، نیز یاغرضانه‌است یا از سر ناآگاهی باید تذکر داد بسیاری از اتهامات غیر واقعی نسبت به انقلابیون کمونیست بر پایه

بقیه در صفحه ۱۶

از یادداشت‌های فدائیان در حبه‌های جنگ

دیگر عرصه تاریخ از آن زحمتکشان است

کرده است. وارد می‌شوم. روبروی در ورودی، روی نیمکتی مرد کرد دنیا دیده‌ای نشسته است. پینه‌های زحمت دستانش وقتی که با سبازهای عمیق پیشانی و خطوط فراوان چهره‌اش درهم می‌آمیزد. حکایت از تحمل سالها رنج و زحمت را دارد. نگاه نافذ چشمان ریز قهوه‌ای رنگش بر یک نقطه ثابت و بی‌حرکت مانده است. جلو می‌روم و سلام می‌کنم. مقابل جواب می‌دهد. بعد از چند دقیقه‌ای سر صحبت را باز می‌کنم:

- حالت چگونه بدر؟
- الحمدالله، بکر. جای تعارف می‌کنم. بعد از سوسید یکی دو استکان جای می‌برسم:
- شما جگاره هستید؟ آه عمیق و سوزناکی می‌کشد:
- یکوقتی کشاورزی می‌کردم.
- حالا چگونه؟!
- چهره‌اش دگرگون می‌شود.

مثل این که زخم کهنه‌ای سرباز کرده باشد. رگهای گردنش متورم می‌شود. چشمان ریزش را تنگ می‌کند، دندان‌هایش را از فرط خشم بهم می‌ساید و مشتش را بر می‌کند. می‌گوید:

- تمام محصول زمین کوچک سوخت. خمپاره زدند. می‌فهمی؟ خمپاره زدند. داروندارم بر باد رفت. بعد از چند لحظه مکت مجدداً آهی می‌کشد و می‌گوید:

- حالا هم... حالا هم بیکارم. روستایمان با خاک یکی شده... حاصل به عمر بدبختی و دریدری کشیدن، به‌سرتاه گلی و به‌تیکه زمین کوچک بود. هردوتاش دود شد و رفت هوا.

دستی به‌موهای خاکستری رنگ کم‌پشتش می‌کشد. آنگاه به آرامی آرنج‌هایش را به میز تکیه می‌دهد و سرش را فرو می‌کند لای چنگک انگشت‌ها. سنگینی کبیه عمیق و کهنه‌ای که حالا به صورت بغض ترش‌مزه و خفه‌کننده‌ای درآمده، گلویم را می‌فشارد احساس می‌کنم که حلقه‌های اشک، گودی چشمانم را بر می‌کند. به‌زحمت جلوی سرازیر شدن اشکم را

ساعت ۸ صبح برای انجام کارهای شخصی از ارتفاعات چغالوند به قصد گیلان‌غرب حرکت کردم. در طول راه جابه‌جا کشتزارهای گندم و زمین‌هایی که زمانی پوشیده از برانغ طلائی رنگ و شفاف بود بر اثر انفجار گلوله‌های توپ و خمپاره دشمن آتش گرفته و مناظر دردناکی را در برابر دیدگان گشوده است. اشعه طلائی رنگ خورشید - که پیام از زندگانی نوین و بر فروغ آینده دارد - دست وسیعی را که از هر سو توسط گوه‌های بلند محصور گشته، روشن کرده است. از دور ارتفاعات چغالوند که هر وجب از خاکش یادآور جانبازی و حماسه‌آفرینی‌های دلاوران پایدار و سرباز است باقامتی استوار و مغرور که نشانی از عزم و رزم بر صلابت زحمتکشان میبمان در دفاع از استقلال میهن و دستاوردهای انقلاب

خونین‌مان دارد- قد برافراشته است. صدای شلیک و انفجار گلوله‌ها همچنان به‌گوش می‌رسد.

به‌شهر می‌روم. منظره شهر غمی سنگین را بر سینه می‌فشارد. شهری که زمانی محل سکونت مردمی زحمتکش بود اینک خالی از سکنه شده است. دیگر از خنده‌ها و نشاط بطراوت کودکان و جنب و جوش زحمتکشان که امید به آینده را در قلبها بارور می‌ساخت، نشانی نیست. چهره پلید جنگ و آثار جنایت دشمن متجاوز به‌خوبی نمایان است. تعدادی از مغازه‌های شهر باز هستند. در شهر به جز چند نفر سرباز و تعدادی کامیون ارتشی، چیز دیگری دیده نمی‌شود. بعد از اتمام کارم

به طرف قهوه‌خانه‌ای واقع در میدان شهر می‌روم. روزگاری این قهوه‌خانه محل اجتماع مردمی بود که پس از فراغت از کار و زحمت روزانه دور هم جمع می‌شدند تا با نوشیدن چای، خستگی روزانه را از نشان‌بهر کنند مردمی که دور هم جمع می‌شدند و از رنج‌ها و کینه‌ها می‌گفتند ولی اکنون جنگ تعمیلی آنها را آواره

رفیق حجت مرقاض هجری در جبهه‌های جنوب شهادت رسید



وقتی خبر شهادت حجت

به فرمانده گردان رسید او فرمان داد؛

توپخانه بکوب که حجت شهید شد

ما از مرگ قوی‌ترین ما هر سال درو می‌شویم و سال دیگر دوباره با ما قدهای پربارتر می‌روئیم قطعاً نوری است از رفیق هوشی‌میں. یادگاری از رفیق سهد اسماعیل (حجت) و مرقاض هجری، که به خط خود در دفترچه یادداشتش نوشته بود و پس از شهادت رفیق در جبهه سرد با مجاوران صدایی، نام رزم‌دگی و مقاومت تا پای جان رفیق کدائی (اکبریت) حجت را به گوش هم‌زمان و همه هم مبهتان انقلاب می‌رساند.

رفیق حجت (اسماعیل) مرقاض هجری در بهمن ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. و در خرداد ۵۸ تحصیلات دلسلمت پایان رسید. رفیق حجت همراه با توده‌های میلیونی مردم در تظاهرات و راهپیمایی‌ها فعالانه و بی‌باکانه شرکت می‌کرد. طوری‌که چندین بار تا مرز شهادت پیش رفت. از جمله او در روز ۲ دی ۵۷ که مردم قومن ضربه سختی به رژیم ناه وارد ساختند، نفسی سسار فعال داشت. هم‌چنین بازی شجاعانه و بی‌درج او به مجروحین در روزهای خوسن قام کم‌نظیر بود.

در آنجا، به یکی از ساکنان‌های مرزی ایران و عراق منتقل شد. با تجاوز آمریکائی رژیم مزدور عراق به مهن انقلابی‌مان حجت حرا' واحدی بود که زودتر از همه با متجاوزین مواحه شد. او نواست با رشادت و بی‌باکی وصف‌ناپذیری صمت زیادی از واحد خود را از نابودی‌جات دهد. رفیق با امان نوبی که در آرمان زحمتکشان و انقلاب و نابودی امپریالیسم داس. بواسط در مدت کوتاهی کار با کله ادوات زرهی را فرا بگیرد. به گفته هم‌زمان: "او هم زانده تا یک بود. هم مهبات گذار. هم خراب‌دار. راسدگی با غرورها را هم می‌داس و

در اثر اواخر ما موبک‌انداز آر. بی. جی ۷ کار می‌کرد. همین سلسط او بر سلاح‌ها و اراده نوبی و زرگی او بود که بواسط در یکی از سردها با رحمی شد فرمانده تاک. خود فرماندهی تاک را بعهده گرفته و مایوریت را سرورمدانه به سامان برساند. او در مدت کوتاهی که سراندار آر. بی. جی ۷ شده بود، شحمنا موفق به نابود کردن دو تاک دس می‌شود.

روحیه نوبی و سور سرباز انقلابی رفیق، به گفته هم‌زمان همواره سرروحس هم‌زمان بود و وقتی که هم‌زمان شهید می‌شد. حجت می‌گفت که: شهادت دوسال

نصفه در صفحه ۱۶

این خنجره با سپیده‌های خواهد
سرخ همه شمشکان می‌داند
تا نخل شادمان فردای وطن
باخسش سرخ میهنم می‌ماند

خداحافظی بی‌کند و می‌رود. به تعهد و مسئولیت در قبال انقلاب می‌اندیشم و به یاد می‌آورم کسه باب در راه خلق، مداکار و در برابر دشمنان سازش‌ناپذیر باشیم احساس می‌کنم ایمان به‌توده‌ها محکم‌تر و عزم و اراده‌ام در مبارزه به‌خاطر سرکردگی آمریکا، استوارتر

زنده‌باشی پسر، زنده باشی. چشمانش می‌درخشد، لبخند دلنشینی که آتش امید به پیروزی و آینده را در دل شعله‌ور نگه می‌دارد، بر لبان چروکیده‌اش نقش می‌بندد. می‌گوید: پدر همه‌شونو درمی‌آریم تا شما هستید، خیال ما راحت." بعد از ربع ساعتی

می‌گیرم. دلم می‌خواهد با مشت به‌دیوار بکوبم و با تمام وجود فریاد بکشم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا. جمله رفیق هوشی‌میں را به خاطر می‌آورم. نگاهش می‌کنم و می‌گویم: ناراحت نباش پدر... ما از مرگ قوی‌ترینم با مهربانی و عطوفت دستش را روی شانام می‌گذارد و می‌گوید:

۲۱ آذرماه، ۳۶ سال از یکی از پیروزیهای درخشان و فراموش نشدنی مردم میهنمان گذشت

به یکسال تلاش های ظفرنون مردم آذربایجان در جهت مبارزه ضد امپریالیستی،

آرادی و گسروش عدالت اجتماعی؛ حتی دشمن نیز، اعتراف کرد!

"آذربایجان حسق دارد بر علیه مظالم مرکز رژیمی دست نشانده پهلوی (طغیان نمایند)"

(امید نوری نماینده اعزامی مرکز به آذربایجان !)

"نویسندگان غرب متفقا بر این عقیده اند که این جنبش در عرض یک سال بیش از ۲۰ سال دوران سلطنت رضاشاه اصلاحات به عمل آورده است" (از اعترافات نویسنده کتاب "مسئله آذربایجان" که در موضع مخالف جنبش مردم آذربایجان قرار داشت !)

نهضت ۲۱ آذر ۱۳۲۴، که اوجی تابناک در تاریخ مبارزات رهایی بخش ملی، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و عدالتخواهانه مردم ایران در صد سال اخیر بود، یک سال بیشتر دوام نکرد. اما سربتی که این جنبش به رژیم تبهکار شاهنشاهی و سیاست استعماری امپریالیسم شنیان آن وارد کرد، قدری سنگین و جدی بود که امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده آن پس از غرقه خون کردن مردم بیباک و بی تابان سالها نتوانست بن نهضت را از یاد برد. اه آمریکایی، هروقت که د ۲۱ آذر می افتاد از خشم میوانی به خود می پیچید. نهضت ۲۱ آذر، پاسخ حسق و انقلابی مردم آذربایجان به همه مظالم نظامی و ملی گذشته، به روزه تشدید فزاینده و دکامپی ارتجاع شاهی و باست استعماری امپریالیسم. اواخر جنگ جهانی دوم د. اما آن روزها هم بگزاران امپریالیسم و نجاج ایران سبب اصلی ن قیام دلیرانه بخشی از م میهنمان را با بی شرمی چه تمامتر در مداخله سایه شمالی ما (که بار کین جنگ علیه دبیرستان هیتلری و نجات یت از بردگی فاشیسم را دوش می کشید) قلمداد کردند. این تحریف بیات بقدری آشکار بود که هیئت رسمی که دولت (قوام السلطنه) برای دگی به آذربایجان تاد (و از ۲۷ اردیبهشت ۲ خرداد ۱۳۲۵ شهرهای ک و بزرگ آن سرزمین را پا گذاشت) مجبور شد با از هر شهری تلگرافی این مضمون به تهران ره کند:

"... من در همان برخورد اول با شهر تبریز از مشاهده عدم موابقت دولت مرکزی به احساسات ملی مردم تبریز نسبت به ایران، از تذکر رفتار خشونت آمیز بعضی از مامورین مرکز در ادوار گذشته، از جریحه دار بودن قلوب آنها (آذربایجانیان) اعتراف نمودم که آذربایجان حق دارد بر علیه مظالم مرکز طغیان نماید"

(داد . ۱۲ خرداد ۱۳۲۵)

سبب اصلی خشم و کینه حیوانی امپریالیسم و رژیم فاسد سلطنت در ماهیت مترقی و دموکراتیک جنبش قهرمانانه مردم آذربایجان بود. اهداف اساسی نهضت ۲۱ آذر - چنانکه در بیانیه تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان (۱۲ شهریور) و

دیگر اسناد رسمی آن صریحا گفته شده و در عمل نشان داده می شد (درست برخلاف افترهای بیشرمانه عمال امپریالیسم) همانا مبارزه در راه استقلال و حق حاکمیت ملی، آزادی و دمکراسی، ترقی و رفاه همگانی خلق زحمتکش بود. مردم زحمتکش و رزمنده آذربایجان، زیر رهبری فرقه دمکرات آذربایجان توانستند در عرض مدت فقط یک سال موفقیت های بزرگ انکارناپذیری در همه شئون اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی بدست آورند.

امروز که مردم قهرمان ایران برای تدارک شایسته برگزاری سومین سالگشت انقلاب شکوهمند خود به رهبری امام خمینی در شرایط بس پیچیده و دشوار مبارزه پیکیر و پیاف افتخار علیه توطئه های پیافی و فزاینده امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و ضدانقلاب پرورده اش حاضر می شوند یادآوری اجمالی آن دستاوردها بجا و مناسب به نظر می رسد.

مجلس ملی برگزیده مردم (پس از امضاء موافقتنامه به خاطر " حل مسالمت آمیز اختلافات " با دولت مرکزی در ۲۴ خرداد ۱۳۲۵ رسما خود را " انجمن ایالتی نامید) و حکومت ملی آذربایجان متجاوز از ۵۰ قانون، ماده واحده قرار و قطعنامه مهم به تصویب رساندند که راه حسل دمکراتیک و قانونی مبرم ترین

مسائل حیات جامعه را هموار می کردند. همه آن مصوبات با کوشش مداوم و پشتکار به نحوی شایسته اجرا می گردید. مثلا یک رشته از مصوبات مجلس و حکومت ملی طرز اجرای دقیق اصلاحات بنیادی در رشته اقتصاد روستایی (کشاورزی، دامداری باغداری، بستان کاری و غیره) به سود روستائیان زحمتکش را پیش بینی می کرد. از آنجمله " قانون درباره مصادره در ۱۲ ماده و ۶ تبصره و جزئیات " مصادره اموال منقول و غیرمنقول کسانی را تعیین می کرد که آذربایجان را ترک گفته به تهران و سایر نقاط رفته، علیه آزادی و حکومت ملی آذربایجان به مبارزه برخاسته اند " (مصوبه ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ آذربایجان شماره ۱۲۱) این قانون تشکیل یک " کمیسیون عالی " برای بررسی و تصویب صورت اسامی کسانی که باید اموالشان مصادره شود (حداکثر تا ۲ ماه) و یک " کمیسیون اجرایی " برای انجمام مصادره (از نمایندگان عدلیه، داخله، مالیه، اقتصاد و کشاورزی) می کرد. ضمنا قانون حق شکایت به محکمه عالی آذربایجان را برای متقاضیان نیز تصریح می کرد قانون متذکر می شد که:

"اموال مصادره شده اموال دولت محسوب می شود" (ماده ۹)

و در ماده ۱۰ تصریح می کرد که:

املاک مزروعی، مراتع قطعات زمین، آبها (چشمه، قنات رودخانه، گهریز) و باغات که مصادره می شوند طبق نظامنامه مصوبه هیئت وزیران باید به روستائیان داده شوند"

یا اینکه " قانون درباره تقسیم خالصات " به صورت ماده واحده تصریح می کرد که

"اراضی خالصه در آذربایجان در دوره سلطنت رضاخان پهلوی تا ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴، خواه اراضی انتقالی (بازخرید شده یا نشده) و خواه زمین های خالصه و آبهای ضبط شده دهات (رودخانه، چشمه قنات گهریز) بطور کلی باید بلاعوض بین دهقانانی که در آن روستاها زندگی می کنند تقسیم شود و همه چسراگاهها و چمنزارها مشترکا توسط اهالی محل مورد استفاده قرار گیرد"

(مصوبه ۲۹ بهمن آذربایجان شماره ۱۳۱)

قانون تقسیم بهسره کشاورزی بین مالک و دهقان (مصوبه ۲۴ فروردین ۱۳۲۵ در ۲۱ ماده و ۸ تبصره به تفصیل مناسبات مالکیت ارضی

۲۱ آذرماه، ۳۶ سال از یکی از پیروزیهای

درخشان و فراموش نشدنی مردم ...

بقیده از صفحه ۱۴

و روابط بین زمینداران و روستائیان را معین می‌کرد. در ماده اول این قانون وسائل کشاورزی عبارت از "آب، کار، زمین، بذر، شخص" تعیین شده سهمبندی محصول کشت بر این پایه و نه سود دهقانان مشخص می‌شد. مثلا محصول کشت دیم (ماده ۷) طبق این اصل به ۷ سهم تقسیم شده یک سهم (در اراضی زمین) به مالک و ۶ سهم (۳ سهم در اراضی کار، ۲ سهم برای شخم، یک سهم برای بذر) حق مسلم زارع محسوب می‌گردید. ضمناً در تصریح این ماده اضافه می‌شد در اراضی که سابقاً یک‌هشتم یک نهم یا یک دهم سهم به مالک تعلق می‌گرفته است همان میزان سابق همچنان به قوت خود باقی است. (برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به روزنامه "آزاد ملت" شماره ۱۲)

موسسات صنعتی سوزده در اخراج کارگران از کار بالا می‌بود. ماده ۸ این قانون صراحت داشت که اگر کارفرما بی‌عذر موجه، بدون اطلاع اتحادیه کارگری و کمیسیون رفح مناقشه، کارگری را از کار برکنار کند، آن کارگر باید به کار خود برگردانده شود. دستمزد مدت بیکاری او پرداخت گردد و کارفرما جریمه مربوطه را به صندوق تعاون کارگران "سرازد". با اینکه قانون مربوط به بیمه (ماده ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵)، به صورت ساده و ساده ناسیس اداره واحدی به نام شرکت بیمه آذربایجان در نظر گرفته، بیمه کارگران و کارمندان موسسات و کارخانه‌های دولتی و ملی را مقرر می‌داشت. در اسامی با شرکت صنایع بهبود وضع کارگران و روحیه بسیار عالی آنان، عضو هیئت اعزامی دولت مرکزی که جریان بازرسی و مشاهدات هیئت را از کارخانه پارچه‌بافی تبریز زیر عنوان "سیاست صنعتی رهبران آذربایجان" موصح داده است می‌نویسد:

"ما تمام قسمت‌های کارخانه را از محل انبار پنجم تا قسمت‌های حلاجی، نخریسی، پارچه‌بافی، رنگرزی، پیتوسازی و موتور برق کارخانه حتی محل تصفیه آب آن را دیده‌ام. توضیحات موثر نبود. پیشه‌وری نسبت به کارخانه استفاده می‌کردیم. در حقیقت کارخانه مزبور یکی از کامل‌ترین کارخانجات کشور است که از نخریسی تا پارچه‌بافی را در سازمان‌های خود تکمیل نموده"

ار سپس اضافه می‌کند:

"زن‌های کارگر آذربایجان با چه شوق و شعفی کار می‌کردند و چگونه "اشک شوق در دیدگان آنها جمع شده بود" (داد ۳۱ تیر ۱۳۲۵) در یادداشت دیگر زیر عنوان "کارخانه جدید جوراب‌بافی و کشیافی" که

"به مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان برای فرقه دموکرات آذربایجان تمام شده" می‌نویسد:

"چیزی که در این کارخانه خیلی تماشایی بود رعایت کلیه احتیاجات کارگرها از حمام، رستوران، باشگاه، زایشگاه زنها، اطباق بچه‌های شیرخوار کارگرها، اطباق خواب آنها، حتی اطباق اسباب‌بازی بچه‌های کارگرها، بود که به بهترین و تکمیل‌ترین طرز آموخته بود" (داد، ۱ مرداد ۱۳۲۵)

نایل یادآوری است که این کارخانه به مبلغ یک میلیون تومان، یا کمک احسان ثوروی از مسکو وارد شده، چهارصد هزار تومان نیز خرج نصب و بکارانداختن آن در تبریز شده بود و در آن شب از پانصد هزار دوشیزه جوان کارگر به کار استغال داشتند. در نتیجه احزای بیکر همی سیاست صنعتی و کارگری فرقه دمکرات آذربایجان بود که به اعتراف دوست و دشمن با شور و شوق زایدالوصف شب هم کارگر و بنا در تبریز کار می‌کرد (همان روزنامه ۳ مرداد ۱۳۲۵)

اقدامات جدی که در رشته علم و فرهنگ معمول گردید، همواره اعلام زبان آذربایحانی به عنوان زبانی رسمی در آذربایجان (تصویب نامه حکومت ملی درباره زبان ۱۶ دی ۱۳۲۴) آذربایحان شماره ۹۶ ناسیس دانشگاه دولتی آذربایحان (تصویب نامه حکومت ملی در بشارت تشکیل دانشگاه دولتی آذربایحان در تبریز همان روزنامه) تصویب ماده واحده درباره اداره هنرهای زیبا" از سوی مجلس ملی (۲ اسفند ۱۳۲۴) آزاد ملت شماره ۲، احداث جایخانه‌های معارف و آذربایحان "ناسیسی" "ناتر دولتی آذربایحان" و "ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایحان" تشکیل جمعیت شاعران و ادیبان آذربایحان و تدابیر بسیار دیگر تریابط ضروری جهت گسترش سریع فرهنگ و پیشرفت آموزش و پرورش را فراهم ساخت. مصوبات مجلس و حکومت ملی درباره امور قضایی و کار دادگاهها از جمله "قانون در بشارت عفو زندانیان" (مصوبه ۲۹ آذر ۱۳۲۴) و قانون تکمیلی آن (مصوبه

آنها در موصح حمایت و بر طرفداری از جنبش انقلاب مردم آذربایحان فر نداشتند) چنین خلاصه جمع‌بندی کرده است:

"نویسندگان غرب متا بر این عقیده‌اند که از جنبش در عرض یک‌سای بیش از ۲۰ سال دورا سلطنت رضائاه اصلاحا، به عمل آورده است"

و درست به همین سد بود که حکومت محمدرضا و امیرالاسم پیشیان آ با حنا کینه و عصبی آن نسبت ناخند، دول قوام که مانند همیشه به فر و تریک سول حسنه بود عدارانه موافقت‌های را که سران فرقه و حکومت ما رسا امضا کرده بود، ز با گداست و شاه مدفون‌ارز آریامهری را برای سرکو مردم زحمتکش فرساده

فحش‌هایی که رز ناهنهایی در آذربایحا دمکرات مرکب شد، فخر ددمنانه بود که حز دوگلاس فاسی آمریکایی راهه امریکایی که از هجو خائنانه و وحاشه طرح‌ریزی کرده بود، مح به اسرار به حساب ب حد و حصر رسم آریامهر کرد. اس فاسی امرالاب جباحوار، ماهذات خود ما گفتگ دهقان سانحور آذربایحانی خلاصه کر نویس:

"بسیک پهلان؛ آذربایحانی به ما چت گفت: مال و حیثیت ما پایمال کردند. آثار، حوادث جگرسوز حرکت خاطر آذربایحانی زدوده خواهد شد"

و تاریخ حکم خود را احا کرد. ۳۲ سال از سرکوب آ بهجت تاریخی که شد بود انقلاب سکوهند مردم ارا به رهبری امام خمین ریم طاغوب آریامهری سرکون و دست تجاوزده امیرالاسم سرکردگی امر را از کشور کوناه کرد. مردم دلیر و زحمتک آذربایحان، با ح سربلندی و افتخار ا گذشت درخشان خود، در صف مقدم این مبارزه تاریخی سرنوشت‌ساز همه خلق‌ها ایران، مقلان به ترک دار و با این شرکت فعال حافظ فراموش‌نشده فرزندان عزیز و قهرمان خود را با می‌دارند.

۱۴ فروردین ۱۳۲۵) قانون درباره تشکیل دادگاه عالی (مصوبه ۲ اسفند ۱۳۲۴). قانون در بشارت انحلال دیوان جزا (مصوبه ۱ دی ۱۳۲۴). قانون لغو مجازات بدنی (مصوبه ۹ اسفند ۱۳۲۴). ماده واحده درباره دادگاه‌های صحرائی (مصوبه ۲۹ بهمن ۱۳۲۴). قانون درباره دادگاه‌های غیرنظامی (مصوبه ۱ دی ۱۳۲۴) و غیره کار دادگستری را در آذربایحان علا جان سامان داد که سب حرمت هیئت اعزای مرکز شده بود. عضو هیئت اعزای عمیدی نوری جدید یادداشت "خود را به شرح متاعذات هیئت در این زمینه اختصاص داده، از جمله نوشت:

"در دادگستری آذربایحان مراجعات کیفری و حقوقی بقدری رو به تقلیل گذارده که انسان به یاد دادگستری سوئیس می‌افتد." (داد، ۱۶ مرداد ۱۳۲۵)

هم اوکرات اعتراف می‌کرد که:

"یکی از مهمترین جهات موفقیت فرقه دموکرات آذربایحان برق‌راری امنیت فردی در آن استان محسوب می‌شود" (داد، ۱۷ مرداد ۱۳۲۵)

داسرگرسده‌ای که درباره امور مختلف احصائی از سوی فرقه، مجلس و حکومت ملی معمول داشته شد. از جمله "قانون درباره جلوگیری از مصرف تریاک و مشتقات آن" (مصوبه ۹ اسفند ۱۳۲۴). قانون درباره تربیت اطفال بتبسیم و بی‌سرپرست (آذربایحان شماره ۹۶). قانون درباره مساعدت به خانواده‌های فدائیان شهید در نهضت دموکراتیک ۲۱ آذر و همچنین به فدائیان که ناقص‌الاعضا شده‌اند (مصوبه ۱۸ مرداد ۱۳۲۵) و غیره همه نشانه نهایت توجه مردم و نهضت به مبارزان راه استقلال، آزادی و سعادت خلق بود.

به یک کلام: نویسنده کتاب مسئله آذربایحان (چاپ لوزان، ۱۳۴۶) که مانند عمیدی نوری نمی‌توان به هیچوجه او را هوادار جنبش دموکراتیک و رهایی‌بخش آذربایحان دانست نتیجه بررسی‌هایی را که دیگر مولفین غرب (که هیچکدام

بجای تفرقه افکنی، ...

از صفحه ۱۲

از شکست نهضت جنگل چه درسی را باید گرفت؟

اما آنچه تاسف‌آورتر و در عین حال خطرناکتر می‌نماید، "درسی" است که روزنامه‌ها از جنبش جنگل می‌گیرند و روزنامه جمهوری اسلامی آن را چنین جمع‌بندی می‌کند:

"امروز شهیدان جنگل ... در بین ما حاضرند و همگان را بیم می‌دهند که دل به شعارهای ناجوانمردان خیانت‌پیشه خوش ندارند زیرا هیچ‌گاه، هیچ نیروی الهادی و کفرپیشه‌ای نمی‌تواند در کنار نیروهای الهی قرار گیرد، مگر آنکه نیت سونی در ضمیرش نهفته باشد و این درسی است که از نهضت جنگل آموختیم."

اگر خوش بین باشیم و نیش قلم "تفاله‌های آمریکا" را در لایلای این سطور نبینیم، باید گفت که این نه درس آموختن بلکه تکرار اشتباه و در غلطیدن به همان دامی است که نهضت جنگل را، انقلاب مشروطیت را، قیام تبریز و خراسان را، نهضت ملی ۲۸ مرداد را، به شکست کشاند. این درس تفرقه و اختلاف است. درسی است که بنی‌صدر آن را از حفظ بود، درسی است که حاصل به‌کارگیری‌اش برورش جانبانی چون کشمیری‌ها و کلاهی‌ها بود این سلاحی است که امیرالیسم و ارتجاع به کمک آن جنبش‌های مردمی را به خون کشیده‌اند و سرانجام این درسی است که اگر بدان عمل شود، انقلاب پر شکوه ما را نیز به سروشت تلخی دچار خواهد کرد. به‌هوش باشیم!

آیا "درس دهنندگان" فوق این رهنمود تاریخی امام خمینی را - که حاصل سالها مبارزه انقلابی و تجربه سیاسی است - بیاد ندارند که گفتند:

"من برای چندمین بار تکرار می‌کنم که در این امر حیاتی قشرهای ملت، با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی یا مذهبی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بی‌شمار دولت آمریکا موضع خصمانه بگیرند و به فکر اشکال‌تراشی و تفرقه‌اندازی، که به‌سود دشمنان کشور است نباشند."

اساد تاریخی را نمی‌توان انکار کرد. یکی از این اسناد تاریخی قطعنامه نخستین کنگره حزب کمونیست ایران است که در آن ضمن ارزیابی واقع‌سازانه از اوضاع ایران صریحا گفته می‌شود:

حزب کمونیست ایران (عدالت) خواهان آن است که، با رهبران آزادبخش ملی مانند میرزا کوچک‌خان و امثال او همکاری کند...
تعالیم وحدت‌طلبانه حیدرخان سر برپایه همسر رهنمود قرار گرفته بود.

اما با این همه روزنامه جمهوری اسلامی با انکار این واقعت در مورد این شخصیت انقلابی می‌نویسد:

"حیدر عمواغلی، این به اصطلاح چکیده انقلاب روسیه، به لباس دوستی به انقلاب جنگل پیوست... اما دیری نپائید که باز خیانت جدیدی آشکار گردید و توطئه تازه‌ای کشف شد. معلوم شد که باز این به اصطلاح انقلابی تازه وارد هم هدفی جز خیانت را دنبال نمی‌کند!"
این روزنامه در مورد چگونگی شهادت حیدرخان یکجا می‌نویسد:

"مردم روستایی که حیدرخان در آن زندانی بود به او مجال نداده، او را به سزای اعمال خیانت‌بارش رساندند" و در جای دیگر می‌گوید:
"در این حادثه (واقعه ملاسرا) چندتن از عوامل سیاست‌های شوروی از جمله حیدرخان عمواغلی به‌طرز مشکوکی به قتل رسیدند."
این تناقض با حقایق انکار ناپذیر و شفاف در تحلیل‌های یک روزنامه را به چه چیز جز آنگه از سر واقعت برحاسته است می‌توان تفسیر کرد؟ فراموش نکنیم حیدر عمواغلی - که مقاله‌بوس روزنامه جمهوری اسلامی او را متأسفانه هم‌طراز با نقی‌زاده‌ها و وسوق‌الدوله‌ها دانسته - کسی بود که سارخان سردار ملی انقلاب مشروطیت همواره در مورد او می‌گفت:

"هر چه حیدرخان بگوید، همان است."

ک سیدآوری غیر واقعی فرار گرفته است. در سپس جنگل ۴ گروه تعالیم می‌کردند: گروه، بررا کوچک خان، گروه احسان‌الله‌خان، گروه خالوقریان و کمونیست‌های ایران به رهبری حیدرخان عمواغلی در این تردیدی نیست که حسان‌الله خان و خالوقریان با اقدامات باحراجویانه و حبروانه خود، در شکست نهضت شکل نفس جدی داشته‌اند. اما این اقدامات نه می‌تواند دلیلی بر "ماهیت صدانقلابی" آنان را داد - کما اینکه استیفاء میرزا را بر نماند، حساب "خیانت" او گداست - و نه به نای بونیست‌های ایرانی بونست. بین خود را بونیست دانستن تا کمونیست بودن فاصله بادی وجود دارد. جالب توجه است که کودتای سرح "کهاز سوی روزنامه‌ها به‌عنوان رگ‌تیرین دلیل "خیانت کمونیست‌ها" نام ده شد. نه مورد تأیید کمیته مرکزی حزب بونیست ایران فرار گرفت و نه روسیه شوروی را تأیید کرد. این واقعتی است که حتی در نامه لومبروسی یکسده است ۱۵ آذر نیز به آن ااره شده است.

حزب کمونیست ایران که این جنبش مورد به‌یاری روزنامه‌های ما قرار گرفته، تنها یاری بود که با تمام قوا برای حفظ اتحاد بین این جنگل کوسید. حزب کمونیست برای نه منظور حتی کمیته مرکزی خود را تغییر داد. می‌توانیم از وحدت‌طلبانه کمونیست‌های این به رهبری حیدر عمواغلی صورت گرفت. درخان که در میان تمامی رهبران جنگل از سرام بسیاری برخوردار بود، موفق شد چند برای مدتی کوتاه، سران جنگل را تی دهد. دولت انقلابی را احیا و امید وری را در دل‌ها زنده کند. این دیگر بر ن بوسیده است که تنها پس از مرگ منکوک او جنگل‌های سخا بود که تلاش برای وحدت وهای شرکت کننده در جیب جنگل سیر ان یافت.

ویخانه بکوب که حجت شهید شد

از صفحه ۱۳

مردمی رفیق چنان بود که حتی در سطح گردان تقریبا همه او را می‌شناختند. طوری که پس از شهادت رفیق، به گفته همسنگران فرمانده گردان فریاد می‌زد: "توپخانه! بکوب که حجت شهید شد."

حجت در طی دو سال خدمت بر اثر رشادت و جانبازی‌هایش بارها تشویق شده بود.

بیکر این شهید خلق در روز ۲۷ مهرماه از منزلش بر دوش صدها تن از دوستان و آشنایان و کارگران کارخانه جنرال و دیگر مردم انقلابی تهران تشییع و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

یادش جاودان و راهش پر رهرو باد!

لحظات بود که حجت یک جیب پر از مهمات را به نزدیکی سنگر حمل کرد. ما شروع به تیراندازی نمودیم و در حالی که نیمی از مهمات را بر سر مزدوران عراقی ریخته بودیم، صدای ناله‌ای از سنگر بغلی ما بلند شد، حجت فوراً برانگارد را از نغبر بیرون کشیده و به‌طرف آن سنگر رفت که در همین لحظه خمپاره‌ای نزدیک پایش به‌زمین خورد و حجت را از پا درآورد. وقتی به بالای سرش رسیدیم، حجت آخرین وداع را با من کرد و لب فروست.

روحیه قوی، چهره خندان و مصمم، طبع شوخ، ایمان قوی، مهارت و کارآئی نظامی و رفتار و کلام

شهادت وی از قول یکی از همسنگران چنین است:
روز هشتم مهرماه با حمله‌ای جانانه توانستیم بیش از ۳ کیلومتر نیروهای دشمن را عقب نشانده و در آنجا مستقر شویم. فاصله ما با عراقی‌ها کمتر از ۲۰۰ متر بود از این رو آنها دانه ما را می‌کوبیدند و ما آنها را روز ۲۳ مهرماه ماموریت گروهان ما تمام شده بود و گروهان دیگری جایگزین گروهان ما می‌شد. ما آخرین نفراتی بودیم که از واحدها مانده بودیم. در این

سوستکرد و ... رزمید تا آنکه در غروب روز بیست و سوم مهرماه پس از ۱۳ ماه مبارزه سهمگین با دشمن به خیل عظیم شهدای جبهه نبرد با امیرالیسم پیوست. و این درحالی بود که از طرفی به خاطر ماندن با واحدش تا پایان ماموریت، مرخصی خود را عقب انداخته و از طرف دیگر کمتر از ۲۰ روز به پایان دوره سربرازی‌اش نمانده بود. نحوه شهادت رفیق خود حکایت از بی‌پایگی و آرمان‌الاشی دارد. چگونگی

د ما را در دفاع از انقلاب تلاش برای پیروزی نهایی عدایمان استوارتر کند. حجت همیشه از کاری‌ها و شهادت داران و بسیجی‌ها می‌گفت از آنجا که جنگ با آوزین رژیم مزدور معنق را جزئی از صحنه بزرگ د انقلاب با امیرالیسم دانست، می‌گفت "پس از چه سربازی از طریق سیخ صبه بارخواهم گشت". حجت در طی نبرد سخت در جبهه‌های فکه، ک، فارسیت، جعفر،

شکوفه های ۱۵ ماه مقاومت حماسه آفرین در برابر جنگ تحمیلی آمریکائی - صدامی بارور می شوند

پیروزی های اخیر نیروهای مسلح ایران در جبهه های جنگ بنا به گفته اکثر مقامات سیاسی و نظامی ایران مرحله جدیدی را در جنگ عادلانه مردم ایران علیه تجاوز آمریکائی - صدامی گشوده است. این پیروزی چه از جنبه نظامی و سیاسی و موفقیت بزرگی برای انقلاب ایران به شمار می آید.

در نبردهای افتخار آفرین اخیر ، تمامی نیروهای مدافع انقلاب سهم شایسته ای یافتند . بستان با ۸۰ روستای میهن آزاد شد و مردم قوی تر از همیشه آماده اند تا زمانی که یک سرباز متجاوز در خاک میهنمان است ، برای استقرار صلحی پایدار حماسه های عظیم تری بیافرینند .

۱۴ ماه بر مدخل بستان خبر از " قادسیه صدام " می داد به زیر کشیده شد و جای آن را " به شهر طریق القدس (بستان) خوش آمدید " گرفت .

در این نبرد افتخار آفرین تمامی نیروهای جان بر کف مدافع انقلاب سهم شایسته ای یافتند . سربازان و ارتشیان دلاور ، واحدهای بسیج و گروه های چریکی دوشادوش یکدیگر و با نبرد تن به تن ، با به جای نهادن انبوهی شهید ، بستان را فتح کرده و این پیروزی بزرگ را رقم زدند . فدائیان خلق مانند دیگر جبهه ها و عملیات رزمی ، در این عملیات نیز شرکت فعالانه داشتند افراد جهاد سازندگی که در تدارک حمله ایران و ایجاد راه های ارتباطی و تدارکاتی به جان کوشیدند و ، امدادگران قهرمان که در جبهه های مقدم نبرد ، با از جان گذشتگی و فداکاری پیام - آوران زندگی دوباره بودند ، در ساختن پیروزی بزرگ یکشنبه سهم شدند .

دلاوران و بی پروازان نیروی هوایی ایران ، در جنگ هوایی نیز برتری خود را به نیوت رسانده و راه نفوذ متجاوزین بر آسمان ایران را بستند .

راه ارتس صدام براتر حماسه آفرینی مدافعان انقلاب از زمین و هوا مسدود شد است . مردم ایران آماده اند نبرد را تا دفع کامل متجاوزین و برقراری صلحی عادلانه ادامه دهند . در این راه خلق ما حماسه های دیگری را خواهد آفرید . حماسه مقاومت و جانبازی مردم قهرمان ایران را می توان در سیمای آن مادر دزفولی دید که به از بمباران دزفول که به زخمی سدس منورند ، کف : من ۴ فرزندم را در راه پیروزی در این جنگ از دست داده ام و اکنون سیز آماده ام که آن دو نای نمانده را بر سر در این راه بدم . بر سر در چهره مصمم آن زرنده صلح که عرقه در خون . امدادگر را مجبور می کند که نخست بر بالین هم رزم مجروح دیگری برود . حسن خلقی با حسین مادران و فرزندان شکست ناپذیر است .

شده در شهرهای جنگ زده زحمتکشان زجر کشیده ، اما مقاوم و تسلیم ناپذیر جشن و سرور برپا ساختند . بستر ویرانه های ناشی از بمباران و تهاجم موشکی وحشیانه عراق در شهرهای آبادان و دزفول و اهواز .. که صدها تن از مردم بی گناه جان خود را از دست دادند بار دیگر لیخندها شکفت و امید به پیروزی جوانه زد . در سرتاسر میهنمان مردم بر بامها رفته و الله اکبر گوین سرود فتح سر دادند . این پیروزی که بدون شک آغازگر پیروزی های بازم بیشتر تا شکست قطعی تجاوز صدامی - آمریکائی است . حاصل ۱۵ ماه مقاومت دلیرانه مردم قهرمان ایران است .

جمهوری اسلامی ایران با اقدامات اساسی کوشید تا تصویرگر شایسته این پیروزی باشد . و بر تبلیغات دروغین صدام و بین المللی اش خط بطلان کشد . فیلم تلویزیونی طریقی القدس که از پیروزی تاریخی ایران و به مهمت افراد فداکاری چون شهید علی طالبی عضو جهاد سازندگی تلویزیون تهیه و پخش شد ، برجسته ترین کار در این زمینه بود علی طالبی جهادگر قهرمان توانست با نثار جان خود کوشه های از پیروزی تاریخی ایران را برای همیشه به ثبت رساند دعوت خبرنگاران خارجی برای بازدید از شهر آزاد شده بستان و مصاحبه تلویزیونی با یک خلبان اسیر عراقی از گام های دیگری بود که در جهت آگاهی افکار عمومی ایران و جهان از پیروزی های اخیر و افشای جنایات رژیم صدام برداشته شد .

در بستان از همه در آزاد ساختن شهر مرزی بستان و قطع راه اصلی تدارکاتی دشمن در مناطق اشغالی دشمن در خوزستان و جدا ساختن نیروهای متجاوز بعثی در شمال و جنوب جبهه خوزستان دانست . بنا به گفته مقامات نظامی به دنبال فتح بستان و قطع راه تدارکاتی عراق عملا راه برای آزاد سازی شهر قهرمان خرمشهر گشوده شده است . با فتح بستان که پس از ۱۴ ماه از اشغال نیروهای متجاوز خارج شد ، قوای ایران برای نخستین بار پس از شروع جنگ ، به مرز رسید . بر اساس اطلاعیه های ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ، ۸۰ روستا و نزدیک به ۳۰۰ کیلومتر از خاک میهن ، آزاد و لشکر ۱۱ عراق نیز تارومار شده است . بنابه گفته رئیس جمهور : بیش از ۲۵۰۰ تن از نیروهای عراقی به هلاکت رسیدند و نزدیک به ۵۰۰ تن نیز اسیر شدند .

مجموعه این پیروزی ها و به ویژه فتح بستان افسانه " قادسیه صدام " را درهم فرو ریخت و نشان داد که رزمندگان ایران تا پای جان از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می کنند بر اثر همین جانبازی دلاوران ایران قادسیه صدام به گورستان متجاوزان بعثی بدل گشت . تابلویی که مدت

از یادداشتها...
می سوزد با جمع هزاره ها در سگرهای بنده حسبه سویدم . ناد جنگ تاثیر کوبنده ام را سوار می دهد ، باشر از راه می رسد . ما خود می ایستیم .
امان باشر را همراه ما حرا عمر دمن صحاوز حسن خواهد کرد .
سوز و حومی وصف نابدیر وجودم را فرا گرفته است .
بحدود می گویم : می حکم می حکم ، با آخرس عمر ، با آخرس گلوله ، سروری با ماس . آری دیگر عرضه تاریخ از آن حکمکنان است .
مرگ بر آمریکا
مرگ بر محاورین
سرباز وطنه از ارتفاعات جانور...

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

دلار آمریکائی و "مجاهدین افغانی"

۸۰ هزار دلار آمریکائی از یک کامیون افغانی کشف شد

● ۸۰ هزار دلار آمریکائی از یک کامیون افغانی توسط مامورین گمرک دوغانرون کشف شد.

در این باره روابط عمومی گمرک ایران به خبرنگار اقتصادی کیهان اظهار داشت: مامورین گمرک دوغانرون، موفق شدند روی گذشته از یک کامیون افغانی که از مشهد عازم افغانستان بود مبلغ ۸۰ هزار دلار آمریکائی و مقناری لوازم مختلف کشف نمایند. تحقیقات در این زمینه توسط مقامات قضائی ادامه دارد.

کیهان ۱۵ آذر

"مجاهدین افغانی" راز غریبی دارند تا ثابت بد که با آمریکا میانه خوبی دارند آمریکا به آنها انواع ناهای معنوی نمی‌کند. یک با کک چین کشورهای ارتجاعی منطقه اع سلاح‌های مرکبار در تیار آنان قرار نمی‌دهد، یکا سیل کمک‌های مادی مالی را به جانب آنها ازیر نکرده و اصولا آمریکا ساززه "آنان برای رهایی مردم افغانستان شود نیست!"

اصرار "مجاهدین افغانی" در تکدیب اینگونه شایعات کمونیستی" نه به طر آن است که آنان واقعا سرو سری با آمریکا و پیمانانش ندارند، بلکه ن خاطر است که برخی از وهای انقلابی، نظیر هوری اسلامی ایران را که سفاهت شناخت درستی بت به ماهیت تحولات لابی افغانستان ندارند، چنان در گمراهی نگاه نته و علاوه بر پشتیبانی ل آمریکا و چین و ستان و مصر و... در حمایت‌های بیدریخ هوری اسلامی ایران نیز داشته باشند!

بدشاسی "مجاهدین افغانی" در این است که گاه و اه - گاه و بیگاهی که یا هر روز تکرار می‌شود! نه‌هایی دال بر روابط

از بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

عدالت اجتماعی

بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دشواری‌های موجود را که فرا راه تحکیم، تثبیت و گسترش انقلاب شکوهمند میهنان قرار گرفته است نشان می‌دهد. پیشنهادهای انقلابی را برای غلبه بر این دشواری‌ها به همه آنان که به تحقق آماج‌های ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بزرگ ما وفادارند، ارائه می‌دهد. این بیانیه را به دست هم‌میهنان بپرانید و آموزش‌های آن را در میان زحمتکشان بسط دهید.

در زیر قسمتی از بیانیه را که تحت عنوان "عدالت اجتماعی" آورده شده است می‌خوانید.

انقلاب ایران رزیمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود. بنیاد نظام آریامهری را حاکمیت می‌بند و بار و غارتگران اتحاد شوم و جنایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان‌سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به سرکردگی خاندان فاسد پهلوی تشکیل می‌داد. در جامعه آریامهری دره میان زندگی توده‌های دهها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشارممتاز جامعه و کارگران و دستیارانشان چنان ژرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظیری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود در حالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد. سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده بود. و این ثروت عظیم را انحصارهای امپریالیستی تولیدکننده جنگ افزار و اتوموبیل و اشیا لوکس و وسائل مصرفی با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و ماموران بلندپایه دولت آریامهری، به تناسب مقام، بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند میهن ما این نظام را سرنگون ساخت. توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تأمین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و بکار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالابردن رفاه عمومی به‌دست عمومی و آموزش عمومی به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی خواستار شدند.

اکنون پس از گذشت دو سال و نیم از انقلاب با قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که در جهت محدود ساختن غارتگری کلان چپاولگران امپریالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان کام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملاً درست بود که شهید رحایی به این محرومان می‌گفت:

" شما هم باید فریاد بزنید: رجایی! مستضعفین هیچ چیز گیرشان نیامده "

" ما نگران آن بخش اعظم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانسته‌ایم مستضعفین ایران راهنوز بهشان برسیم. هنوز نتوانسته‌ایم بر متولین که نماز می‌خوانند بگوییم که نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری "

(از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ شهریور ۱۳۶۰)

این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سبحانی، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم:

"بخش خصوصی بدون استثنا سود برده است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت... به خود بنده گفتند سودی را که در این دو ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است.

پارچه به به برابر قیمت تمام شده به مصرف‌کننده فروخته شده است. سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده‌اند. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده‌اند، متقال هزینه تمام شده‌اش، با تمام افزایشی که در نرخ پنبه هست. حدود متری ۵۶ ریال می‌شود، لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بنگدارها فروختند و آنها نیز به مصرف‌کننده تا متری ۲۳۰ ریال. یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الیاف مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می‌کند و در بازار کیلویی ۱۸۰ ریال عرضه می‌کند"

باز هم اعدام‌های ... از صفحه ۳

انسانی فکری و عقیدتی را داشت بازسازی انقلابی انسان و تربیت انسان انقلابی است.

تناقض آشکارتر از آن است که خواهیم روی آن مکتبیم ما مسئولینی را که چنین شیوه داهیانه‌ای برای ارشاد "کم‌کرده" راهاان انتخاب کرده‌اند در برابر این حقیقت قرار می‌دهیم:

کسی که با کشتن رفیق همفکر همراه دیروزش به دامن انقلاب برگشته است، وقتی هرگام به سود انقلاب می‌رود می‌دارد. ما این فکر رنج‌آور روبرو خواهد بود که با دست‌های خود کسی را که می‌توانست همانند او در خدمت انقلاب باشد از پای درآورده است.

این اندیشه رنج‌آور که در تمام طول زندگی با او همراه خواهد بود، تمام نیروی ایمان و اعتقاد به آماج‌های انقلاب را از او خواهد گرفت و در بدترین حالت از او شخصیتی خواهد ساخت که برای نجات شخص خود، آماده هر اقدام غیرانسانی و حاستکارانه‌ای است.

ما نوحه به تاکیدات مکرر مقامات مسئول خصم‌سور اسلامی ایران دابر ضرورت استقرار قانون و شکل سازمان بازرسی که کشور که وطفه آن رسیدنی به موارد تخلف از موازین فائسوسی در نهادها و ارگان‌ها اعلام گردیده و تا ناکید بر ضرورت اجرای بخشنامه مورخ شانزدهم آذر دادستانی انقلاب از مراجع دصلاح می‌خواهیم که به امسال می‌روبه دادگاه‌های انقلاب دابر صدور حکم اعدام برای افرادی که مستقیما در عملیات ترور و اقدام مسلحانه شرکت نداشته‌اند پایان بخشیده و موارد متعدد قصص‌شده را بررسی و عاملین این قبیل جنایات را به مردم معرفی و به مجازات قانونی برسانند مردم باید اطمینان یابند که مسئولین آنچه درحرف می‌گویند، در عمل نیز پای‌بند هستند.

نسبت به موضع فوق وجود نداشته و افرادی صرفا به دلایل واسنگی به این یان گروه و اتهاماتی از قبیل کمک مالی جمع‌آوری خبر و فاجعه‌آمیزتر آنکه به اتهاماتی از قبیل تبلیغ و ترویج "کمونسم" نیز افرادی به جوخه اعدام سپرده شده‌اند.

صدور چنین احکامی از جانب دادگاه‌های انقلاب به عنوان عکس‌العملی در مقابل عملیات بمب‌گذاری و تخریب یاندهای سلطنت‌طلب و ساواکی که توسط "سایه‌هدایت" می‌شود، به جریان استقرار موازین قانونی و برقراری امنیت و آرامش منگی به قانون و عدالت اجتماعی شدت آسب وارد می‌نماید و گفنه پرمضمون

حجت‌الاسلام رفسنجانی صدور چنین احکام بی‌رویه و کینه‌توزانه‌ای به همان هدفی خدمت می‌کند که باند‌های سلطنت‌طلب و ساواکی به خاطر آن مردم بیگناه را کشتار می‌کنند. و بدرتی که نفس عمل هر دو یکسان است هر دو تلاش دارند از روند استقرار قانون در جامعه جلوگیری نموده و محیطی آکنده از هرج و مرج و عدم ثبات و امنیت را برحومه حاکم نمایند.

علاوه بر نقض قانون، در صدور احکام اعدام احمر دادگاه‌های انقلاب در حکومتی اجرای این احکام نیز ردپای سیاسی که تنها به کینه‌توزی و انتقام می‌انديشد دیده می‌شود.

براساس اطلاعیه‌های صادره باره‌ای از این احکام توسط جوخه‌های اعدامی اجرا شده است که افراد آن را یاران سابق اعدام‌شدگان تشکیل می‌داده‌اند.

از نظر پاره‌ای از مسئولین قضایی، این نمایش غیرانسانی درهم شکستن "شخصیت یک انسان" نشان پای‌بندی به آرمان‌های انقلاب است!! به اعتقاد این گروه از مسئولین، اجرای حکم اعدام توسط کسانی که تا دیروز مانند آن کس که اعدام می‌شود و می‌انديشد و با او خالصانه‌ترین روابط

پیامد این غارتگری بی‌بند و بار، گرانی سرسام‌آوری است که مانند کابوس بر کرده دهها میلیون زحمتکش کم‌درآمد جامعه ما فشار می‌آورد و این فشار هر روز سنگین‌تر و طاقت‌فرساتر می‌شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده درآورد، در عین اینکه درست و مورد پشتیبانی است ولی فطره‌ای است در دریا و همینطور است مسئله مسکن، مسئله بهداشت و ...

علیرغم خدمات گرانبهایی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک‌رسانی به عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می‌دهند، هنوز بزرگ مالکان و خان‌ها اختاپوس‌وار بر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته بر حیات روستا حکومت می‌کنند و با حازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می‌کنند.

چنین است گوشه‌هایی از آنچه که در دو سال و نیم گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و یا بهتر بگویم، هنوز دست نخورده باقی مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بصورت دولت موقت و بازگان‌ها و اندی‌ها و صدرها و صباغیان‌ها و پس از آن بنی‌صدرها و نوریه‌ها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون‌آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی‌بند و بار این غارتگری آماده می‌ساخت. غارتگران اجتماعی، یعنی کسلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، با بهره‌گیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تامین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواست‌های خود را در زمینه تامین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۴۴، ۴۹ و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان ... هنوز گامی برداشته نشده است.

به نظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم شکستن همه توطئه‌های چپبه متحد ضدانقلاب، که می‌کوشد توده‌های میلیونی زحمتکش را از انقلاب ناامید سازد، به‌این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده‌کردن اصول قانون اساسی در زمینه عدالت اجتماعی، جامه عمل بپوشاند.

باید با خارج ساختن شریان‌های اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یعنی با تقویت همه‌جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدود ساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی نظام اقتصادی آریامهری را از بنیاد درگون ساخت.

همانگونه که تحریرنشان داده‌است، با شلاق‌زدن و جریمه‌گرفتن و یک ماه تبعید کردن کارر از پیش نمی‌رود و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع‌پروری هم در سرمایه‌داری زالووقت تاثیری ندارد. او به این ارشاد می‌خندد، شلاق را می‌خورد جریمه را می‌پردازد، ولی از همان فردا و یا حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری نه تنها چند برابر جریمه‌های پرداخت‌شده، بلکه چندین برابر "حق‌اندرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان بیرون می‌کشد.

یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاها ضروری و محدود نگاه داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه‌ای است که در دهها و دهها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند، موفقیت داشته است.

باید با برقراری هرچه سریع‌تر و ریشه‌دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها امکان تراکم بی‌بند و بار ثروت و سرمایه‌ها از زالوها گرفت.

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی‌سابقه‌ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تامین خواست‌های حیاتی مردم زحمتکش، به صاحبان اصلی‌اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهنر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت، هرچه زودتر عملی ساخت.

باید مسئله تامین مسکن را جدی گرفت و با برنامه‌های فوری و دراز مدت، گام اساسی در این راه برداشت. همین‌طور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان، که با کمال تأسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده، بلکه بطور محسوس بدتر شده است. فداکاری و کدشت قابل ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانسته و نمی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه، چیره شود.

اختیاراتی که امسالم خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به مورخ نوزدهم مهرماه ۱۳۶۰ به نمایندگان مجلس داده، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی‌در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده است. با این پاسخ امسالم، دشواری‌های شبه قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواست‌های زحمتکش وجود داشته، از میان برداشته شده است. اینک به عهده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود، پشتیبانی خواهند کرد.

فقدان یک رفیق ... از صفحه ۴
ما فقدان رفیق سمعدود بود، و در سازمان و همراه سازمان زندگی نوینی را می‌ساخت همواره می‌گفت: "چه زیباست که انسان با جبران ضعف‌های گذشته، در راه منافع زحمتکش برزمد و فدا شود".
یادش گرامی باد.

۲۱ آذرماه، ۳۶ سال از یکی از بیروزیهای درخشان و فراموش نشدنی مردم میهنمان گذشت

به یکسال نالاش های ظفر نون مردم آذربایجان در جهت مبارزه ضد امپریالیسمی.

آزادی و کسرس عدالت اجتماعی؛ حتی دشمن نیز، اعتراف کرد!

در صفحه ۱۴

شصتمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان گرامی باد

بجای تفرقه افکنی، درس اتحاد بدهیم

شصتمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان، رهبر نهضت جنگل این هفته سپری شد. میرزا کوچک خان از حمله سارزینی بود که در انقلاب مشروطیت شرکت فعال داشت. وی پس از به تکست انجامیدن این انقلاب سان همه انقلابیون دیگر علیرغم موعظه سازنکاران و خیانت پیشه‌گان، تنگ را بر زمین نهاد و به خاطر آرمان‌هایی که از مشروطیت برای تحقق آنان شعله‌ور گشت و ناکام به خاموشی گرانیده بود، به مبارزه انقلابی ادامه داد. میرزا کوچک خان در برابری نهضت جنگل که ۷ سال طول کشید و برای به‌کسی نشاندن آماج دست‌نیافته انقلاب مشروطه شعله گرفت، نقش موثری برعهده داشت.

میرزا با درکی انقلابی از اسلام، برای رهایی ایرانیان از یوغ استعمار امپریالیسم انگلستان و روسه تزاری مبارزه می‌کرد و بر سر همین مبارزه نیز جان خویش را از دست داد. او هدف و مقصود مبارزات هفت ساله خود را در نامه‌ای به روتشتین نماینده مختار روسیه شوروی در تهران بیان داشت:

"من و یارانم در مشقت‌های فوق‌العاده چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم، جز حفظ ایران از تعرضات خارجی و فشار خائنین داخلی، تامین آزادی رنجبران ستمدیده مملکت و استقلال حکومت ملی"

یاد این شهید راه استقلال و آزادی میهن گرامی باد

در صفحه ۱۲

دلار امریکایی و

"مجاهدین افغانی"

در صفحه ۱۸

توقیف "پیام مردم" قابل توجیه نیست

محرور کردن نوجوانان ایرانی از مطالعه چنین نشریاتی دشمنی با انقلاب و ممانعت از اشاعه و ترویج ایده‌های انقلابی و میدان‌دادن به جریان‌هایی است که در پیشبرد اهداف ضدانقلابی خود بیش از هر چیز، جوانی و کم‌تجربگی را مورد استفاده قرار می‌دهند.

در صفحه ۵

به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

جوانان درکی از ارکان ارتش نیست میلیونی هستند

در صفحه ۱۱

انتجار بمب در سوریه واکنش جنایتکارانه در برابر شکست طرح آمریکائی فهد

هدف تمامی توطئه‌های آمریکا

"طرح فهد" دامن‌زدن به موج تروریسم و تشنج، مانورهای نظامی، انعقاد قراردادهای نظامی، گسیل عاملان سیاست خود به منطقه و... متوجه حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم به‌ویژه از طریق انزوا و فشار نظامی به کشورهای جبهه پایداری است.

در صفحه ۵

دوران ما و مشخصات آن

* انقلاب بزرگ میهن ما خود ثمره مشخصات دوران ما و نتیجه تضاد خلق‌های استعمارزده با امپریالیسم است. این انقلاب از آنجا که در یک کشور بزرگ و از ژرفای جامعه حوشیده است اثرات درازمدت و نیرومند نه تنها در ایران، بلکه در منطقه و حتی جهان دارد.

* کسی که در جستجوی انقلاب‌های خالص "پرولتاری در همه نقاط در این دوران است. در واقع خود روند انقلاب جهانی را غیرمیسر می‌گرداند و ناآگاهانه (یا ناآگاهانه) با دادن شعار به ظاهر چپ "آب در آسیاب نیروهای ارتجاعی راست می‌ریزد."

در صفحه ۴

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر